

به مناسبت فرا رسیدن اول ماه مه، روز همبستگی جهانی طبقه کارگر

طبقه کارگر در جهان کنونی

بر موقعیت طبقه کارگر در جهان کنونی، بخشهایی از سه مقاله مندرج در مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم"، شماره ۱۲ سال ۱۹۸۶ و شماره یک ۸۷ و بخشی از یک مقاله مندرج در مجله "سوسیالیسم: تئوری و پراتیک" را برگزیده ایم.

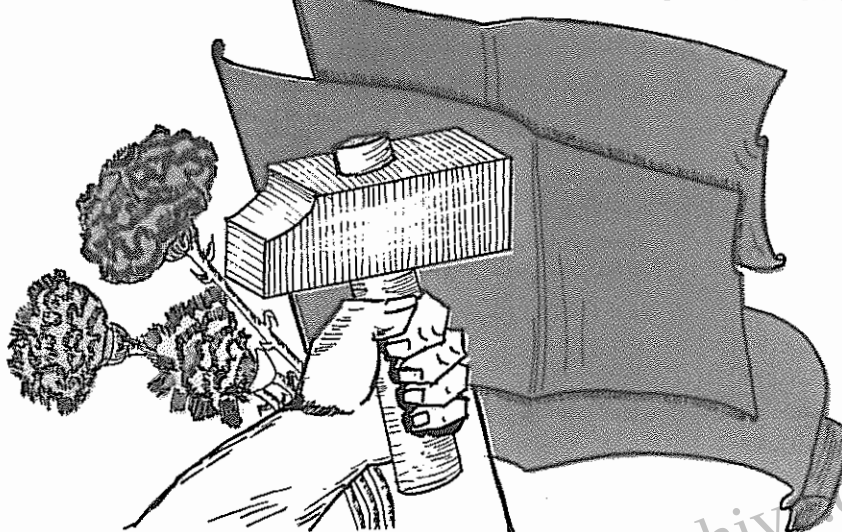
بقیه در صفحه ۱۱

که قدرت طبقه کارگر، در همبستگی جهانی او است. طبقه کارگر جهان، سالی دیگر پشت سر گذاشت، و یک سال دیگر به تحقق رسالت تاریخی خود نزدیکتر شد.

به مناسبت اول ماه مه، به منظور نگرشی هرچند کوتاه و گذرا

خوش آمدی ای ماه مه! مقدمت بر همه کارگران و زحمتکشان جهان مبارک باد! نام تو، یادآور رزم های سترگ و افق های پرشکوه است. رزم هایی به گستره یک دنیا، و افق هایی به روشنی خورشید.

شکوه اول ماه مه، در جهانی بودن این روز است، به همانگونه



که هم اکنون پیش می برد، بر این منزلت دست یافته است. به مناسبت فرا رسیدن روز این طبقه، بر مسیر رزم آن در ایران، نظر کوتاهی می افکنیم.

در صفحه ۷

خود، نه صرفا به خاطر این که همه فشارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در درجه اول بر روی آن تمرکز یافته اند، بلکه از طریق آنچه که عملا از خود نشان داده است و مبارزه ای

آینده از آن این طبقه نیست؟ از آن این طبقه زنده می بیند و رزم آور. مبارزه طبقه کارگر ایران، قلب مبارزات توده ای است. این طبقه نه صرفا به خاطر جایگاه تاریخی

از رزمندگی طبقه کارگر ایران

ومخفی، چه رعب انگیز! اکنون ۶۷ سال است که طبقه کارگر ایران، عمدتا در چنین وضعیتی اول ماه مه را جشن می گیرد. بر رزم این طبقه نیز، چنین عمری گذشته است؛ سالیانی پر از تجربه و تلاش.

رزم طبقه کارگر ایران رزمی است مستمر، پر از پیچ و تاب، یک جاشکوه حماسه را دارد و یکجا آندوه تراژدی را. شادمان می سازد و می گریاند. آه افسوس برمی آورد و آفرین غرور و افتخار، از دل برمی کشاند. از گذشته باید آموخت، اما چرا افسوس برگذاشته، مگر

اول ماه مه فرارسیده است. زمین سرخ است، آسمان که باید باشد. کارگران پرچم به دست فرا می رستند. با پرچمهایی که خود آن را ساخته اند؛ از خیابانها صف به صف می گذرند - خیابانهایی که خود آنها را ساخته اند؛ طنین شعارهایشان در سرتاسر شهرها می پیچد - شهرهایی که خود آنها را ساخته اند؛ آنان در شعارهایشان از فتح جهان سخن می گویند - جهانی که خود آنها ساخته اند.

در میهن ما اول ماه مه مخفی است، اول ماه مه است

جنگ آشکار شیمیایی: هدف دو رژیم جنایتکار ایران و عراق

کاربرد آن از سوی عراق و به دلیل وزش باد بسوی مواضع آنها خواند و در پایان تاکید کرد که "ایران خود را محق می داند که مقابله به مثل کند".

همزمان با این اظهارات، سخنگوی ستاد تبلیغات جنگ نیز در همین رابطه، ضمن تکرار حرفهای رجایی خراسانی، هشدار داد که "چنانچه این سازمان هیچگونه اقدام عملی در بازداشتن رژیم عراق در استفاده گسترده از سلاحهای شیمیایی بعمل نیاورد، جمهوری اسلامی حق طبیعی خود می داند که با استفاده از همه امکانات با دشمن برخورد قاطع بکند".

بقیه در صفحه ۵

جمهوری اسلامی در سازمان ملل طی مصاحبه ای باصدای رسیمای جمهوری اسلامی، این تصمیم را "شکفت انگیز" و ناشی از مداخله "عوامل مغرض در این سازمان" خواند. وی ضمن ابراز نگرانی از سفر هیات اعزامی سازمان ملل گفت: چون سازمان ملل موضع بی طرفانه در جنگ ایران و عراق ندارد، راسا اقدام به اعزام هیات بدین منظور نموده است و این از نظر اخلاقی مورد اعتراض ما است. رجائی افزود: "نمی توان پیش بینی کرد نتیجه اعزام این هیات ها چه خواهد بود." رجایی خراسانی اینبار نیز، انتشار گازهای سی در مواضع عراقیها را ناشی از

رژیم عراق، با تسلیم گزارشی به سازمان ملل متحد، جمهوری اسلامی را به استفاده از گازهای شیمیایی در جبهه های جنگ متهم کرد. در این گزارش گفته شده است که ۱۶ روستای عراقی در شرق استان اربیل و شمال استان اخیر اهداف بمبارانهای شیمیایی ایران قرار گرفته اند. برپایه گزارش عراق، سازمان ملل تصمیم به اعزام دوهیات به دو کشور ایران و عراق بمنظور بررسی کاربرد سلاحهای شیمیایی گرفته است.

در پی تصمیم سازمان ملل مبنی بر اعزام هیاتی به ایران، رجایی خراسانی نماینده دائمی

در این شماره

● بیانیه سندیکای عمومی کار (فرانسه) علیه سرکوب و اختناق در ایران

در صفحه آخر

● در سالی که گذشت

میلیونها کارگر بیکار ماندند

در صفحه ۶

● جهان در همبستگی با

زندانیان سیاسی ایران

در صفحه ۲

● مرحله ای جدید در همکاری رژیم های ایران و ترکیه علیه پناهندگان

در صفحه ۱۴

فرخنده باد اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران!

جهان در همبستگی با زندانیان سیاسی ایران

- ۲۸- اتحادیه کارگران کردستان ترکیه در د انمارک
- ۲۹- انجمن دانشجویان کرد در اروپا-شاخه د انمارک
- ۳۰- کریستین تاروپ، عضو کانون هنرمندان برای صلح-د انمارک
- ۳۱- سازمان حقوق بشر الملل در اسکاتلند
- ۳۲- اتحادیه کارگران متخصص در بالانموب

هلند

- ۳۳- حزب کمونیست هلند
- ۳۴- حزب کارگر هلند
- ۳۵- حزب رادیکال های مترقی
- ۳۶- حزب سوسیالیست های صلح طلب
- ۳۷- سازمان جوانان سوسیالیست
- ۳۸- اتحادیه عمومی جوانان هلند
- ۳۹- سازمان جوانان حزب رادیکال های مترقی
- ۴۰- جنبش زنان هلند
- ۴۱- کمیته زنان هلندی برای صلح و دموکراسی
- ۴۲- اتحادیه نویسندگان هلندی
- ۴۳- لیگ سرسری برای حقوق بشر (در کشورهای جهان سوم)
- ۴۴- زنان برای صلح
- ۴۵- حزب کمونیست عراق-هلند
- ۴۶- حزب سوسیالیست شبلی-هلند
- ۴۷- کمیته زنان اندونزیایی
- ۴۸- اتحادیه دانشجویان مراشی-هلند

فرانسه

- ۴۹- ملی پاتادبیرکل حزب ترقی و سوسیالیسم در مراکش
- ۵۰- بیانتریک رهبر، عضو مشاور کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه
- ۵۱- ادیب دیوثری نماینده چپ مرز
- ۵۲- فادر دیاب، نماینده جنبش ملی لبنان-فرانسه
- ۵۳- نماینده حزب کمونیست عراق-فرانسه
- ۵۴- احرولی احمد نماینده حزب کمونیست لبنان در فرانسه

بریتانیا

- ۵۵- حزب کمونیست بریتانیا
- ۵۶- سازمان ضد امپریالیستی لیبراسیون
- ۵۷- کمیته دفاع از حقوق مردم ایران
- ۵۸- اتحادیه ملی دانشجویان در لندن
- ۵۹- انجمن دانشجویان کرد
- ۶۰- انجمن دانشجویان مراشی
- ۶۱- استن نیوثرن، عضو پارلمان اروپا

سوئد

- ۶۲- حزب کمونیست های چپ سوئد
- ۶۳- حزب کمونیست پاکستان-سوئد
- ۶۴- جنبه دمکراتیک برای آزادی فلسطین-سوئد
- ۶۵- کمیته صلح سوئد
- ۶۶- سازمان جوانان حزب کمونیست های چپ سوئد
- ۶۷- سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری سوئد

بدنبال فعالیت های افشاگرانه فداییان خلق در سطح جهان در طی هفته های اخیر، موجی از همبستگی با فداییان در پند و تمامی زندانیان سیاسی ایران، در کشورهای مختلف برپا شده است.

احزاب، سازمانها، سندیکاها و شخصیت های بسیاری با صدور بیانیه، امضای طومارهای اعتراضی، ارسال تلگرام برای مجامع بین المللی و مسئولین جمهوری اسلامی و هم چنین صدور پیامهای همبستگی برای سازمان فداییان خلق ایران (اکثريت) نفرت خویش را از رژیم سفاک خمینی و حمایت خویش را از زندانیان مبارز اعلام داشته اند.

در شماره گذشته "اکثريت" اسامی تعدادی از احزاب، سندیکاها و شخصیت های ایتالیایی را که به حمایت از زندانیان سیاسی ایران و فداییان در پند برخاسته اند درج کردیم. در این شماره اسامی برخی از سازمانها و شخصیت هایی را درج می کنیم که در کشورهای یونان، دانمارک، هلند، فرانسه، بریتانیا و سوئد از زندانیان سیاسی ایران اعلام پشتیبانی کرده اند. گونه گونی مسلکی، طبقاتی و ملی کسانی که به حمایت از پیشروان جنبش انقلابی ایران برخاسته اند، گواه بی بدیلی از رسوائی جهانی رژیم منقرض خمینی است.

یونان

- ۱- دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان و رئیس کل کنگره اسبوس کارگران یونان
- ۲- شورای مرکزی سازمان جوانان کمونیست یونان
- ۳- حزب کشاورزان یونان
- ۴- دبیر اول حزب سوسیالیست متحد یونان و نماینده مجلس این کشور
- ۵- معاون رئیس جنبش دمکرات مسیحی یونان
- ۶- سندیکای کارگران ساختمانی یونان

دانمارک

- ۷- دبیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست دانمارک
- ۸- فریدی مادبیر عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست دانمارک و مسئول حزب در بولند مرکزی
- ۹- گرت نیترسن، دبیرکل حزب سوسیالیست خلقی (SF)
- ۱۰- اتحادیه کارگران اخبار و تجارت دانمارک
- ۱۱- اتحادیه حروف چین های دانمارک
- ۱۲- اوله آندرسن، رئیس اتحادیه نقاشان دانمارک
- ۱۳- شهر دارشهر اسکاتلند
- ۱۴- جنبش چپ انقلابی شبلی (میر)-دانمارک
- ۱۵- مسئول حزب ملی پاکستان-دانمارک
- ۱۶- حزب سوسیالیست کردستان ترکیه-دانمارک
- ۱۷- مسئول کلنگه ملی آفریقا-دانمارک (آرهوس)
- ۱۸- مسئول حزب کمونیست شبلی-دانمارک (آرهوس)
- ۱۹- مسئول حزب سوسیالیست چپ و استاد دانشگاه آرهوس
- ۲۰- مسئول حزب سوسیالیست شبلی-دانمارک (آرهوس)
- ۲۱- حزب کمونیست عراق-دانمارک
- ۲۲- مسئول حزب کمونیست ترکیه-دانمارک
- ۲۳- دفتر نمایندگی سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف)-دانمارک
- ۲۴- جنبه دمکراتیک برای آزادی فلسطین-دانمارک
- ۲۵- گروه پپترسون، مسئول اتحادیه بنایان در آرهوس
- ۲۶- اتحادیه کارگران فلسطین-دانمارک
- ۲۷- دورته هلسن مسئول سازمان جوانان کمونیست در بولند مرکزی-دانمارک

گسترده تر باد مبارزات مردم ایران و جهان برای آزادی زندانیان سیاسی!

به نقض حقوق بشر در ایران پایان دهید!

زندانیان سیاسی ایران را آزاد کنید

نیروهای مترقی و آزادیخواه در دانشمارک با امضای متن زیر به دفاع از جان زندانیان سیاسی ایران برخاسته اند.
"مایه تاسف و انزجار ماست که هنوز در قرن بیستم انسان‌های سفاکی چون خمینی... پیدا می‌شوند تا در حق ملت آزاده ایران و فرزندان راستین آن از جمله فداییان خلق، اینهمه جنایت مرتکب گردند.
ما مطمئن هستیم که مبارزات متحد و یکپارچه زحمتکشان و خلق‌های ایران تحت رهبری جبهه‌ای از نیروهای مترقی بویژه فداییان خلق می‌تواند رژیم ضد بشری خمینی را چون رژیم گذشته سرنگون کند.
مادستگیری، شکنجه و اعدام انقلابیون ایران بویژه فداییان اسیر را شدیداً محکوم کرده و خواهان آزادی کلیه زندانیان سیاسی ایران هستیم."

جنایات بهرمانه خمینی

کرت پترس، رهبر حزب سوسیالیست خلق دانشمارک (SF) در پیامی به فداییان خلق نوشته است:
"مادستگیری، شکنجه و اعدام اعضای سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را محکوم می‌کنیم. شکنجه زندانیان سیاسی یکی از جنایات بهرمانه‌ای است که به دستور خمینی انجام می‌گیرد.
ما خواهان آزادی کلیه زندانیان سیاسی ایران هستیم.
ما همچنین حمایت خود را از نیروهای مترقی و دمکرات ایرانی در راه سرنگونی رژیم خمینی اعلام نموده و آنها را به وحدت و همکاری با یکدیگر فرا می‌خوانیم، چرا که این تنها راه رهایی از استبداد مذهبی و یگانه راه برای آزادی و دمکراسی در ایران است."

در دفاع از مبارزین دمکراسی و عدالت اجتماعی

نمایندگان چند حزب و سازمان سیاسی و فرهنگی منجمله حزب کمونیست فرانسه در رابطه با یورش گسترده رژیم به سازمان ماطومار زیر را امضا کرده برخاسته‌اند و در آن تاکید نمودند:
"ضمن محکوم نمودن دستگیری و شکنجه قریب هزار تن از اعضا و هواداران سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، ما امضاکنندگان نهایت تکرانی خود را در قبال خطر مرگی که جان این میهن پرستان مقاوم و شجاع و مبارزین دمکراسی و عدالت اجتماعی را تهدید می‌کند، ابراز می‌کنیم.
- ما خواهان توقف فوری تجاوز به بدیهی‌ترین حقوق انسانی و دمکراتیک در ایران هستیم.
- ما خواهان اعزام یک هیئت تحقیقاتی به سرپرستی سازمانهای بین‌المللی دفاع از حقوق بشر و ارگان‌های صلاحیتدار سازمان ملل متحد به ایران هستیم. این هیئت وظیفه تحقیق نسبت به تخطی و زیر پا گذاشتن مفاد مصوبات کنوانسیونهای بین‌المللی، که ایران از امضاکنندگان آنها می‌باشد، را بعهده خواهد داشت.
- ما خواهان آزادی زندانیان سیاسی در ایران هستیم."

از گشتار زندانیان سیاسی جلوگیری کنید

حزب سوسیالیست متحد یونان، حزب کشاورزان یونان و حزب جنبش دمکرات مسیحی یونان هر یک تلگرام اعتراضی جداگانه‌ای برای سفارت جمهوری اسلامی در آتن ارسال کردند. در این تلگرام هاشم اشاره به دستگیری‌های وسیع و شکنجه‌های غیرانسانی مبارزین سیاسی ایران و از جمله فدائیان خلق (اکثریت)، نسبت به سرکشت دهها هزار زندانی سیاسی ابراز تکرانی شده است. این احزاب خواستار پایان دادن به سرکوب مخالفین سیاسی در ایران شده اند.
کمیته بین‌المللی همبستگی با دمکرات‌های ایران در یونان نیز در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل و کمیته حقوق بشر این سازمان نوشته است: "رژیم تئوکراتیک ایران اصول و قواعد منشور سازمان ملل متحد و حقوق بشر را زیر پا می‌گذارد."

طی هفته‌های اخیر در پشتیبانی از زندانیان سیاسی ایران و حمایت از فدائیان در بند، بیانیه‌ها، پیامها و نامه‌های بسیاری از سوی احزاب و سازمانهای مختلفی تهیه و انتشار یافته است. تمامی آنها مشحون از همبستگی با مردم ایران و بیانگر انزجار جهانی در برابر درج می‌کنیم:

نامه حزب کمونیست یونان

به خواهر پرزد و کوئینا رد بهرکل سازمان ملل متحد

عالیجناب

طبق اطلاعاتی که از سوی سازمانهای مترقی ایران دریافت کرده‌ایم، جنایات تازه‌ای در زندان‌های ایران وقوع یافته است، از جمله موارد آن شیدا بهزادی عضو جنبش زنان از شهر اصفهان و مسعود حجتی... می‌باشند.
از شما تقاضا می‌کنیم همه کوشش‌های خود را برای وارد آوردن فشار بر مقامات ایرانی جهت جلوگیری از شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی بکار گیرید!
با احترام کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان

تلگرام کنگدر اسپون کارگران یونان به سفارت ایران

کنفدراسیون کارگران یونان برخورد رژیم ایران در قبال اعضای سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را بانگرانی دنبال می‌کند، و اعتراض شدید خود را نسبت به دستگیری و شکنجه آنان اعلام می‌دارد.
ما خواستاریم که هزار عضو دستگیر شده سازمان فداییان خلق را فوراً آزاد کنید و برای حقوق انسانها و دموکراسی احترام قائل شوید.

دبیر اول کنگدر اسپون و رئیس کل کنگدر اسپون

از سازمان جوانان حزب کمونیست یونان به سفارت ایران

به سفارت ایران در آتن

شورای مرکزی سازمان جوانان کمونیست یونان اعتراض خود را نسبت به موج جدید دستگیری‌ها و تکرانی نسبت به خطری که جان آنها را تهدید می‌کند، بیان می‌دارد.
ادامه می‌دهد، شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی همیشه با خشم افکار عمومی جهان همراه است.

از شما می‌خواهیم این پیگرداها، این شکنجه‌ها و این اعدام‌ها را متوقف کنید و آزادی‌های دموکراتیک را به مردم بازگردانید و جنگ ایران و عراق را متوقف کنید!

آتن - ۲۰ مارس ۱۹۸۷ شورای مرکزی سازمان جوانان یونان

نامه اعتراضی به خامنه‌ای

در نامه‌ای خطاب به رئیس جمهور رژیم خمینی که به امضای کمیته صلح سوئد و سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری سوئد رسیده، چنین می‌خوانیم:
"ما از طریق نمایندگی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در اروپا، در تاریخ ۲۰ مارس ۸۷ مطلع شدیم که حکومت شما در خلال تابستان ۸۶، حدود ۱۰۰۰ نفر از اعضا و هواداران سازمان را دستگیر کرده است. این اطلاعات همچنین در تاریخ ۱۸ مارس ۸۷ از طریق رادیوی دولتی ایران اعلام شده بود.
از اطلاعات مطبوعاتی چنین برمی‌آید که کلیه دستگیرشدگان به شدت شکنجه شده‌اند. تعدادی تاکنون در اثر شکنجه کشته و بسیاری نیز به شدت مجروح گردیده‌اند. از میان کشته‌شدگان می‌توان نام خاتم شیدا بهزادی عضو سازمان و از فعالین جنبش زنان در اصفهان، و مسعود حجتی عضو سازمان و یکی از مسئولین سازمان در استان گیلان را نام برد. ما... پیگرداها، شکنجه و قتل افراد زندانی را به شدت محکوم می‌کنیم و از شما می‌خواهیم... زندانیان سیاسی در ایران بی‌درنگ آزاد شوند."

۷۰ درصد نفرات اعزامی بسیج به جبهه دانش آموز بودند

کارمندان به مناسبت روز جهانی کارگر (!) است. قرار است بیش از ۶۰۰ هزار نفر از جوانان کارگری و کارمندی از سراسر کشور در این روز به جبهه‌ها اعزام شوند. گفته شده است هر یک از این جوانان ۲۰۰ نفره است و همین گردانهای کارگری بخشی از ۱۵۰۰ گردانی است که در سال جاری راهی جبهه خواهد شد. روحانی افزود که برای گردآوری هر چه بیشتر نیرو از میان کارمندان و کارگران، طی ۸ ماه گذشته حدود ۲۸۰۰ مرکز بسیج در واحدهای کارمندی و کارگری تأسیس شده است.

لازم به یادآوری است که هفته گذشته سرپرست بسیج رقم نیرومایی را که سال گذشته به جبهه فرستاده شدند ۵۰۰ هزار نفر ذکر کرد. وزیر آموزش و پرورش اعلام نمود که ۶۵ تا ۷۵ درصد این نیم میلیون نفر را دانش آموزان تشکیل می‌دادند.

طرح یک کنفرانس بین‌المللی برای تنش‌زدایی در خلیج فارس

مشابهی نیز از دولت آمریکا شده است. به گزارش خبرگزاری آلمان فدرال، اتحاد شوروی به درخواست کویت پاسخ مثبت داد و سه نفتکش شوروی در اجاره دولت کویت درآمده‌اند.

در همین حال ولادیمیر پتروسکی، قائم‌مقام وزیر خارجه شوروی به کویت سفر کرد. وی پیشنهاد تازه رهبری دولت شوروی، مبنی بر برگزاری یک کنفرانس بین‌المللی جهت تضمین آزادی کشتیرانی در خلیج فارس و یافتن راهی برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق را به مقامات کویتی ارائه کرد.

رضا کاشانی سرمایه‌دار معروف در تهران

با کمک روحانیون با نفوذ با امیدواری اقداماتش را برای رفع توقیف از بقیه اموال خود، دنبال می‌کند.

در همین حال در مجلس در روز ۱۸ فروردین پرسش‌هایی پیرامون وضعیت املاک مصادره شده عده‌ای از سرمداران رژیم سابق و از جمله علم (وزیر دربار شاه) در استان خراسان طرح گردید. مستمسک طرح این مساله در مجلس فقدان هرگونه کژارشی از چگونگی مصرف سوده‌های سرآمد آور حاصله از این املاک است. در همین جلسه مجلس اعلام شد که این املاک بگونه‌ای بلامنازع در اختیار حجت الاسلام طیبی نماینده، خمینی در خراسان قرار دارد و همه سوده‌های حاصله منحصراً در اختیار وی قرار می‌گیرد.

کارنامه یکساله وزارت آموزش و پرورش

وزیر آموزش و پرورش در بی‌سخنان فوق، به فعالیت‌های انجام شده توسط این وزارتخانه در ارتباط با جنگ طی سال گذشته اشاره کرد و گفت: "حدود ۱۲۰ هزار نفر از معلمان و دانش‌آموزان... به جبهه اعزام شدند بطوریکه ۵۰ درصد از نیروهای لشکریان حضرت محمد و بیشترین نیروی سپاه حضرت مهدی را دانش‌آموزان و فرهنگیان تشکیل می‌دادند." اگرچه هیچ‌کس افزود که آموزش و پرورش ۸۸۰۰ نفر از معلمان را نیز به پشت سنگرهای جبهه اعزام کرده است.

طی هفته گذشته اعزام نیرو به جبهه‌های جنگ در ابعاد گسترده تحت عنوان سپاهیان "صاحب الزمان" ادامه یافت. همزمان با گسیل این سپاهیان، تبلیغات و اقدامات عملی در تهران و شهرستانها نیز به منظور گردآوری هر چه بیشتر گوشت دم توپ صورت گرفت. ژاندارمری جمهوری اسلامی با صدور اطلاعیه‌ای از متولدين سالهای ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ خواست که "برای انجام خدمت دوره ضرورت" خود را به یادگانه‌ها معرفی کنند تا ترتیب اعزام آنان به جبهه‌ها داده شود. روحانی سرپرست بسیج پاسداران در مصاحبه مطبوعاتی که روز چهارشنبه از رادیوی جمهوری اسلامی پخش گردید، از اعزام نیرو، طی دو نوبت در نیمه اول اردیبهشت ماه خبر داد و گفت که این اعزام‌ها، شامل مرحله دوم اعزام نیروهای "صاحب الزمان" و اعزام مخصوص کارگران و

بدنبال تشدید تنش در آبراه‌های خلیج فارس، دولت کویت رسماً از اتحاد شوروی درخواست کمک کرد. دولت کویت درخواست کرد که در زمینه حمل نفت از این آبراه‌ها به وی کمک شود. در این آبراه‌ها از تابستان سال گذشته تاکنون حداقل ۱۵ نفتکش کویتی مورد حمله هواپیماهای نظامی ایران قرار گرفتند. تنش موجود در خلیج فارس و تنگه هرمز بدنبال استقرار موشک‌های زمین به دریا توسط رژیم جمهوری اسلامی در ساحل تنگه هرمز و تهدید به حمله به ناوگان تجاری و تانکرها نفتکش از سوی این رژیم، شدت گرفته است. از سوی کویت تقاضای

در تهران اعلام شد که میلیاردر معروف، رضا کاشانی اخوان، برای بازپس گرفتن بقیه اموال خود و همچنین تصاحب ساختمان اصلی فروشگاه بزرگ کوروش که دو هفته پیش توقیف شد و به تملک بانک ملی درآمد، فعالیت دامنه‌داری را با کمک عوامل با نفوذ جمهوری اسلامی آغاز کرده است.

رضا کاشانی اخوان سرمایه‌دار بزرگ و از نزدیکان رژیم سابق و صاحب فروشگاههای زنجیره‌ای کوروش است. وی پس از انقلاب به مدت ۲ سال متواری بود و در سال ۶۰، برای بدست گرفتن اداره اموال سابق خود، در محافل علنی ظاهر شد. کاشانی همان موقع با حمایت دولت بسیاری از اموال و املاک مصادره شده خود را بازپس گرفت. وی اکنون

کاظم اکرمی وزیر آموزش و پرورش روز دوشنبه ۲۴ فروردین طی گفتگویی با مطبوعات عنوان کرد که

"بررسی تغییر نظام آموزشی در سالجاری یکی از مسایل مهم آموزش و پرورش است که با شدت و قوت تمام پیگیری خواهد شد." وی گفت سال گذشته اهداف، اصول، برنامه‌ها و مقاطع تحصیلی نظام جدید آموزشی در شورای ذیربط مورد بحث قرار گرفت. مادر اکثریت شماره ۱۴۹ رئیس این طرح را منتشر کرده‌ام.

نخست وزیر:

در جمهوری اسلامی فقر افق‌زیرتر شده اند

موسوی، نخست وزیر جمهوری اسلامی، روز سه‌شنبه ۲۶ فروردین در "سومین سمینار اسلام و مستضعفین" که در قم برگزار گردید، در مورد توزیع درآمدها در کشور اعلام نمود: "مقایسه‌ای که بین سالهای ۵۶ و ۶۲ و ۶۳ انجام شده نشان دهنده نابرابری درآمدهای اقشار کشور است. این آمار - توزیع درآمدها - نشان می‌دهد نسبت سهم ۱۰ درصد از ثروتمندترین خانواده‌ها به ۱۰ درصد از فقیرترین خانواده‌ها در سال ۶۵، سی و دو برابر بوده است."

نخست وزیر رژیم خمینی در ادامه سخنان خود در این سمینار در کمال وقاحت اعتراف کرد که در حکومت فقها فقر افق‌زیرتر شده‌اند. وی گفت: "در رابطه با سهم ثروت گروه‌های مختلف در کشور آمار نشان می‌دهد که سهم ۱۰ درصد فقرا در سال ۶۵ از درآمدها ۱/۲۱ درصد بوده است که بعد از انقلاب متأسفانه فقیرتر شده و این سهم به ۱/۲۶ درصد رسیده است." موسوی افزود که در رژیم جمهوری اسلامی برنامه‌ریزی و سیاست موجود، این امکان را بوجود آورده است که: "عده‌ای هر روز غنی‌تر شوند و عده‌ای دیگر هر روز ضعیف‌تر..."

موسوی تأکید کرد نرخ تورم در کشور سرسام‌آور است و "هنگامی که تورم هست فقیرها فقیرتر و غنی‌ها غنی‌تر می‌شوند." وی در بخش دیگری از سخنان خود، یادآور شد که علیرغم وضع موجود و شرایط مساعد برای ۱۰ درصد قشر ثروتمند جامعه، هنوز هم "جریان روحانیت" بیش از همه از "عدم توجه" و "سلب آزادی فردی این ۱۰ درصد و در نتیجه تغییر ماهیت حکومت اسلامی ترس دارد!"

بازتاب سخنان موسوی (که در حقیقت سند رسمی حکومت رژیم است) در مطبوعات دولتی، واکنش‌هایی در سطح بالای مسئولین حکومتی پدید آورد و بدنبال آن روابط عمومی نخست وزیر طی اطلاعیه‌ای ادعا کرد که در نقل گفته‌های نخست وزیر در مطبوعات بی‌دقتی صورت گرفته است!

از میان دیگر رویدادها

● کیهان ۲۲ فروردین - قیمت سیگار "تیر" از روز یکشنبه ۲۲ فروردین افزایش یافت و بهای دولتی توزیع آن از طریق عاملین مجاز، هر بسته ۲۰۰ ریال برای مصرف کننده اعلام شد.

لازم به یادآوری است نرخ رسمی قبلی هر بسته سیگار تیر ۲۴۵ ریال بود که در بازار آزاد تا ۵۰۰ ریال معامله می‌شد.

● کیهان ۲۲ فروردین - قیمت رسمی هر بطر نوشابه گازدار برای فروشنده ۴۵ ریال و برای مصرف کننده ۴۸ ریال اعلام شد. روزنامه کیهان در مورد علت تغییر قیمت نوشابه نوشته است: "پس از تماس با مقامات مختلف کسب اطلاع شد که به دلیل قلع سهمیه ارزی کارخانجات تولید کننده نوشابه‌های گازدار و الزام آنان به استفاده از ارز آزاد و دیگر ارزهایی که از طریق صادرات عاید می‌شود و همچنین حذف سوبسید شکر تحویلی به این کارخانجات و افزایش مالیات دریافتی از هر بطر نوشابه گازدار، در قیمت این نوع نوشابه‌ها تغییرات جدیدی بوجود آمده است."

از فاجعه «انقلاب فرهنگی» هفت سال گذشت

در روزهای پایانی فروردین سال ۵۹ یورش قدره بندگان وقمه کسان حکومتی به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور آغاز شد. این یورش که تحت عنوان «انقلاب فرهنگی» و «تغییر بنیادی نظام آموزشی» صورت پذیرفت، تعطیلی کلیه موسسات آموزش عالی کشور را به مدت سه سال و نیم در پی داشت. ما تا کنون طی مقالات گوناگون وضعیت اسفبار کنونی دانشگاه‌ها و فجاجیه فرهنگی «انقلاب فرهنگی» را تشریح کرده‌ایم. در مفتین سالگرد این فاجعه برای بزرگداشت مبارزه و قهرمانی‌های پیشکامان و دیگر دانشجویان انقلابی و برای تشریح جنایات عوامل رژیم خمینی، گزارشی از یورش به دانشگاه‌ها و مراکز را درج می‌نماییم. این گزارش از شماره ۵۷ نشریه کارمنشره در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۹ برگرفته شده است. قابل تاکید است که در یورش مزدوران خمینی به دانشگاه‌های گیلان، تهران و تربیت معلم نیز جنایات مشابهی بوقوع پیوست.

... اکنون یک هفته است که اهواز در تب جنایات باندهای سیاه می‌سوزد. جنایاتی که به جرات میتوان گفت کم نظیر و بیسابقه است. جنایاتی که تحت عنوان «انقلاب فرهنگی» صورت می‌گیرد. دادگاه انقلاب، تالار شهرداری، زندان کارون، مراکز کمیته‌ها، کمیته صحرایی، گاراژ پشت بیست و چهارمتری، کارآموزی زرگان چلکی تبدیل به زندان، شکنجه‌گاه و کشتارگاه صدها دانشجو، دانش‌آموز و دیگر مردم مبارزی شده‌است که از دانشگاه به مثابه یک سنگر مبارزه ضد امپریالیستی و به مثابه یک سنگر آزادیخواهی دفاع می‌کنند.

چگونگی فجاجیه درد دانشگاه اهواز

... جنتی امام جمعه اهواز طی اعلامیه‌ای در تاریخ ۲ اردیبهشت ماه اعلام می‌کند که مراکز دانشجویی دانشگاه‌ها تخلیه شده و مردم را به برگزاری نماز در دانشگاه‌ها و دعوت می‌نماید. ... پس از برگزاری نماز جنتی شروع به سخنرانی و تحریک جمعیت می‌کند. در این هنگام گروهی یورش می‌آورند و دانشجویان را زیر باران سنگ می‌گیرند. این حمله با مقاومت دلاورانه دانشجویان روبرو شده و باندهای سیاه وادار به عقب‌نشینی می‌شوند. به یکباره صدای گلوله‌های کلت و ژ - ۲ از گوشه و کنار بلند می‌شود. پاسداران که از قبل آماده شده بودند اکنون بر روی صفوف دانشجویان بی‌سلاح که سرشار از عشق به خلق و ایمان به پیروزی هستند، شلیک می‌کنند. ... بلافاصله بعد از تیراندازی پاسداران، دستگاه‌های تبلیغاتی و رادیو نیز دست به تهیه

این رفیق را در حالی به خانواده‌اش تحویل می‌دهند که با قمه گردن او را شکافته بودند. اما در اخباری که از طرف رژیم در این باره منتشر شدند ادعا شده است که: «زندانیان اهواز شورش کردند و در این شورش ۴ نفر کشته شدند که یکی از آنها دختری به نام مهناز معتمدی بود».

اما در مورد دانشجوی مبارز دیگر، مهناز معتمدی، جریان بدین صورت بود که این دختر مبارز نیز از جمله دانشجویانی بود که در دانشگاه اهواز دستگیر شده بود. پاسداران او تعدادی دیگر از دختران دانشجوی را به قصد شکنجه با چشمان بسته در مقابل دیوار قرار دادند و برای ایجاد رعب در اطراف سر آنها شروع به شلیک گلوله نمودند. یکی از این دختران که مهناز معتمدی نام داشت، به این عملیات فجیع اعتراض کرد. پاسداران موهای سرش را گرفتند و او را روی زمین کشیدند و سپس با مشت و لگد او را به گوشه‌ای انداختند و به رگبار مسلسل بستند. آنها برای قانونی جلوه دادن جنایات خود نام این دختر مبارز را بهی‌شمری تمام جزو آن دسته از زندانیانی اعلام کردند که بقول خودشان «شورش» کرده بودند. این جنایت‌ها هنوز به اشکال مختلف در اهواز ادامه دارد و روز به روز مردم بیشتر به حق این جنایات پی می‌برند و از مقاومت دانشجویان و دانش‌آموزان انقلابی و قهرمان اهواز حمایت می‌کنند.

به شهادت قهرمان اهواز درود می‌فرستیم و ایمان داریم «روزی که خلق بداند هر قطره خونشان محراب می‌شود». یادشان گرامی باد»

جنگ شیمیایی.

رژیمهای جنایتکار ایران و عراق، در ارتکاب فجیع‌ترین جنایات جنگی به رقابت و حیثیانه‌ای برخاسته‌اند. با تهدیدات اخیر رژیم فقها مبنی بر استفاده «گسترده» و «بهره‌گیری از همه امکانات» در جنگ شیمیایی، ابعاد درد و رنج مردم ستمدیده ایران و عراق گسترش فاجعه‌بارتری خواهد یافت. برای مقابله با این خطر جدی و هولناک که احتمال سرایت آن به شهرهای دو کشور نیز می‌رود همه سازمانها و گروههای مترقی و ایرانیان صلح‌خواه، می‌باید تمام امکانات خود را در جهت افشای نیت جنایتکارانه رژیمهای ایران و عراق و برای صلح مورد استفاده قرار دهند»

و چند صد زخمی و دهها شهید نتیجه انقلاب فرهنگی‌ای است که به راه انداخته‌اند. در طی مقاومت دانشجویان و دانش‌آموزان و دیگر نیروهای انقلابی چه در زندان و چه خارج از آن، حماسه آفرین و شورانگیز بوده است. بسیاری از تیرخورده‌های زندانی شعارهای ضد آمریکایی و شعار «اتحاد، مبارزه، پیروزی» را هر چه بر صلابت تر سر داده‌اند. زندانیان پرشور دست به اعتصاب غذا زده‌اند. آنها در زندان‌ها شعار می‌دهند، مقاومت می‌کنند و به آرمان‌های خود دلاورانه وفادارند. ... در بیمارستان‌ها نیز آنچنان محیط رعب و وحشت به وجود آورده‌اند که کارکنان بیمارستان‌ها تا کنون دوبار دست به اعتصاب زده و تهدید به استعفا کرده‌اند. چندین دکتر، انترن، رزیدنت و پرستار هم در زندان به سر می‌برند.

روز پنجشنبه ۴ اردیبهشت ماه ۵۹ جنایت هولناک دیگری در تالار شهرداری (یکی از اماکنی که زندانیان را به آنجا می‌بردند) اتفاق افتاد. در حالیکه خانواده‌های زندانیان در خارج از تالار شهرداری اجتماع کرده بودند و به این جنایات اعتراض می‌کردند، زندانیان به دادن شعار ضد آمریکایی می‌پرداختند. پاسداران محافظ با قساوت تمام به روی آنان آتش می‌کشیدند. در این کشتار ددمنشان ۸ زندانی شهید و لاقفل ۲۶ نفر زخمی می‌شوند. یکی از زندانیان را که گلوله خورده بود برای مدتی در همان حال نهمیدارند و بعد از اعتراضات فراوان دیگر زندانیان (ظاهرا) او را به بیمارستان منتقل می‌کنند اما فردای همان روز جسد

جنگ آشکار شیمیایی

بقیه از صفحه اول

در ۲۸ فروردین ماه، هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه، با ذکر اینکه «اصل جنگ ما از مدت‌ها پیش مقابله بمثل است» تهدید کرد در عرصه جنگ شیمیایی نیز «ما چنان گسترده عمل خواهیم کرد تا شما (عراقیها) را از این کار پشیمان کنیم».

بطوریکه از اظهارات مسئولین رژیم فقها برمی‌آید، آنان در نظر دارند، با تبلیغ روی این مسئله که «اصل، اصل مقابله بمثل است»، کاربرد سلاحهای شیمیایی در جبهه‌های جنگ را علنی سازند. اظهارات همگی آنان یک سمت و سود دارد: علنی کردن

در سالی که گذشت میلیونها کارگر بیکار ماندند

درگیری و تقابل درون حکومتی به افشای "اسرار اقتصادی" رژیم مبادرت ورزیدند. در نشست مسئولان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن کشور فاش شد که کاهش درآمد ارزی رژیم، خطر بیکاری ۲ میلیون کارگر را در پی دارد. وزیر صنایع سنگین رژیم نیز طی مصاحبه‌ای از سیاست "بازخرید اجباری" کارگران واحدهای تولیدی، پرده برداشت.

رژیم بمنظور تحقق سیاست ضد کارگری اخراج گسترده، به کمیسیون پنج گانه متشکل از وزارت ساواک، وزارت کشور، وزارت کار، وزارت صنایع و خانه کارگر متوسل شد. کار این کمیسیون به استثنای فعالیت سرکوبگرانه آن، تسک بدیهانه‌های سیاسی و شرعی برای اخراج کارگران می‌باشد.

از سوی دیگر رژیم در لایحه جدید و ارتجاعی قانون کار، موادی را گنجانده است که امر اخراج کارگران را تسهیل می‌کند. کارفرما و دولت با استفاده از مواد ۲۴ و ۲۵ لایحه جدید قانون کار خواهند توانست، بازخرید را به کارگران تحمیل کنند. در ماده ۲۵ این لایحه تصریح شده است: "چنانچه از طرف کارفرما تغییرات عمده‌ای در شرایط کار (ساعات کار، محل کار، نوع کار و...) صورت گیرد، کارگر حق فسخ قرارداد کار را خواهد داشت و کارفرما مکلف است خسارت بپردازد." بر اساس این ماده، کارفرما خواهد توانست، با افزایش ساعات کار و شدت استثمار، کارگر را وادار به ترک کار نماید. در ماده ۲۴ نیز بر موقتی بودن قرارداد کار تاکید شده است.

بر اساس لایحه ارتجاعی قانون کار، اخراج کارگران منوط به نظر شورای اسلامی کار و یا هیاتهای تشخیص - در واحدهایی که شورای اسلامی ندارد - شده است. بدیهی است که شوراها و هیاتهای کار بهیچوجه خواست کارگران را منعکس نمی‌کند و در هیاتهای تشخیص نیز اصولاً کارگران - حتی کارگران مورد تایید رژیم - مشارکت ندارند. بدین ترتیب رژیم با استفاده از پرونده سازیهای کمیسیون پنج گانه و مواد لایحه کار به اخراج گسترده کارگری رسمیت می‌بخشد.

بیکاری فزاینده و بیمه بیکاری

در سال گذشته، مبارزه کارگران علیه سیاست ضد کارگری اخراج بقیه در صفحه ۱۰

محتاج ۷ میلیارد دلار ارز می‌باشند. بدیهی است که بخش اعظم این درآمد ارزی محدود نیز صرف خرید جنگ افزار و واردات کالاهای اساسی شده است. بدین ترتیب رژیم سیاست صرفه‌جویی اکید را که عمدتاً شامل حال "صنایع ارزبر" - صنایع اصلی کشور - می‌شد در پیش گرفت. بودجه ارزی وزارتخانه‌های صنایع، صنایع سنگین و معادن و فلزات بطرز بیسابقه‌ای کاهش یافت. جمشیدی معاون اقتصادی و بازرگانی وزارت صنایع اعلام کرد: "ارز مورد نیاز برای وزارت صنایع که حدود ۸۰ درصد واحدهای صنعتی کشور را تحت پوشش دارد که در شرایط مطلوب پیش از ۵ میلیارد دلار است، در سال جاری به یک ششم ارز مورد نیاز تنزل کرده است" (کیهان هوایی ۵ شهریور ۶۵).

وضعیت در وزارت صنایع سنگین به مراتب وخیم‌تر بود. بنا به گزارش روزنامه کیهان ۲ مهرماه ۶۵، بودجه ارزی این وزارتخانه به یک دهم کاهش یافته است. بدین ترتیب عدم تامین ارز مورد نیاز صنایع کشور، منجر به تعطیلی بسیاری از واحدهای تولیدی کشور و در نتیجه اخراج گسترده کارگری گردید. از جمله واحدهای تولیدی که در سال گذشته با اخراج بی‌سابقه کارگری مواجه بودند، میتوان از این واحدها نام برد: کارخانه ایران ناسیونال، فولادسازی اهواز، کشت و صنعت کارون، شرکت هاماراک، ابریشم فومن، شعله خاور، قرقره زیبا، بهپوش، پشم پتوی تبریز، کاشی ایران، اونیورسال، کابل سازی، کانترپیلار، سازمان آب اهواز، نیروگاه شهريار، کارخانه لامپ سازی کیلان، ایران یاسا، نیرپارس، ایران فایر، کارخانه مونتاژ جرقه‌فیل، کارخانه فرموند، پتوبافی شمس اراک...

رسمیت بخشیدن به اخراجهای گسترده

رژیم از پی آمدها و عواقب سیاسی اخراج گسترده کارگران هراس دارد. از اینرو مسئولین و "ابر قدرتهای" رژیم تلاش دارند که به این سیاست ضد کارگری خود بگونه‌ای تدریجی و پوشیده جامعه عمل بپوشند. در سال گذشته، اما، برخی از "مسئولان ناخلف" حکومتی بر زمینه

پیرامونی و وابسته صادر شده و در کشورهای پیرامونی نیز بار اصلی بحران بر دوش کارگران و زحمتکشان منتقل می‌شود. بافت اقتصادی بیمار و بحران زده کشورهای وابسته، به عرصه‌های متنوع بحران سرمایه‌داری در این کشورها، ابعاد فوق‌العاده‌ای می‌بخشد.

در کشورهای وابسته، همواره نرخ افزایش امکانات شغلی از نرخ افزایش جمعیت عقب می‌ماند و عرصه‌های اصلی تولید ملی قادر به جذب نیروی فعال مردم افزون کشور نیستند. بنابه گزارش نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۴۵ که در کیهان ۲۱ دیماه بازتاب یافت، هر ساله نیم میلیون نفر بر تعداد بیکاران کشور افزوده می‌گردد. مسئله افزایش نیم میلیون نیروی فعال کشور به ارتش بیکاران زمانی به ادراک در می‌آید که در نظر بگیریم، میزان رشد متوسط سالانه جمعیت کشور، ۱/۷۵ میلیون نفر است. بدین ترتیب هر ساله قریب به یک سوم جمعیت افزوده کشور جذب کار نشده و بر ارتش میلیونی بیکاران کشور افزوده می‌گردند. تنها با در نظر گرفتن میزان "بیکاری پنهان" و "بیکاری موقت" میتوان به ابعاد بیکاری کشور در این عرصه پی برد.

آخر اجهای گسترده

اقتصاد کشور، اقتصادی وابسته است. این وابستگی، روندی تک خطی و ساده نیست، بلکه بر همه فعل و انفعالات اقتصادی کشور سیطره و حاکمیت دارد. ارزش حاصله از صدور و فروش نفت، خونی است که در رگهای پیکر این اقتصاد جریان دارد. بحران ارزی رژیم که حادثه، کم خونی شدید حادث گردید و از سوی دیگر خفاش جنگ نیز دندانهای خود را در کالبد این اقتصاد فرو برد تا نیازهای نظامی خود را مرتفع سازد. و بدین ترتیب چرخهای اقتصادی کشور از دور حرکت باز ماندند. صنایع کشور فلج شدند، بسیاری از واحدهای تولیدی تعطیل گردیدند و خطر اخراج گسترده کارگران بر پهنه کشور سایه افکند. کل میزان ارز تحصیلی کشور در سال ۶۵، تنها ۵ میلیارد دلار بود. این در حالی است که بنا به اعتراف سرحدی زاده، تنها واحدهای تولیدی بزرگ کشور بمنظور استمرار تولید،

اژدهای بیکاری پادشاهی کشود و فراخ در کنار در کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی کشور کمین کرده است. بحران حاد بیکاری کشور در سالهای اخیر و به ویژه سال ۶۵ به ابعاد بیسابقه‌ای رسید. این حقیقتی است که بیکاری محصول سرشت نظام سرمایه - سالاری است، ولی بی‌گمان ابعاد و دامنه بحران بیکاری فزاینده امروز کشور را نمیتوان تنها در این محور توضیح داد. بموازات سیاستها و اقدام‌های سرمایه نوازانه رژیم فقها، حاکمیت جنگ بر اقتصاد و سیاستهای ضد ملی و جنگ افزونانه رژیم نیز در گسترش ابعاد بیکاری جامعه سخت موثر بوده‌اند.

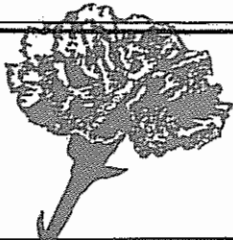
روند فزاینده بیکاری باعث آن شده است که مسئله بیکاری در رأس مسائل کارگری کشور قرار گیرد. مبارزه علیه سیاست "بازخرید اجباری" کارگران و دفاع از امنیت شغلی، در سال گذشته، یکی از اصلی‌ترین عرصه‌های جنبش مطالباتی کارگری کشور بود. اقتصاد جنگی رژیم با انکار بر منطق "همه چیز در خدمت جنگ" پایه‌های امنیت شغلی کارگران را هدف پیکان مخرب خود قرار داده و رژیم حتی در حرف لایحه جدید قانون کار - نیز از پذیرش امنیت شغلی کارگران تن می‌زند.

بیکاری فزاینده‌ای که هم اینک بر پهنه میهن سایه دوانیده است، بحرانی است مرکب از دو وجه. این بیکاری از یکسو محصول اقتصادی بیمار و شیرازه گسیخته است و از سوی دیگر معلول سیاست های اخراج گسترده رژیم. به این دو وجه بحران بیکاری نظری بیافکنیم:

هر سال نیم میلیون بیکار

در جوامع کاپیتالیستی، منطق مبتنی بر حفظ و گسترش سود، یگانه معیار تعیین میزان شاغلین محسوب می‌شود. در یک چنین جوامعی، کارگران "افزار" تولید سود تلقی می‌گردند و بموازات گرایش نزولی نرخ سود، امنیت شغلی آنان نیز به مخاطره می‌افتد. این امر تنها با سطح پیشرفت اتحاد کارگران و دستاوردهای جنبش رژیم‌مندی کارگری محدودیت می‌پذیرد.

منطق ذاتی تقسیم بین المللی کار جهان سرمایه‌داری است که بار اصلی بحران از کشورهای متروپل به کشورهای



از رزمندگی طبقه کارگر ایران

در بررسی سیر مبارزاتی طبقه کارگر ایران هم خصیصه پیوستگی و تداوم جلب نظر می‌کند و هم خصیصه ناپیوستگی و انقطاع؛ پیوستگی و تداوم در نفس مبارزه و مضامین آن و انقطاع در اشکال مبارزاتی و سازمانی.

طبقه کارگر ایران دیر زمانی است که با سلاح موثر اعتصاب آشناست. نخستین حرکت‌های اعتصابی را می‌توان حتی در قرن نوزدهمی گرفت. در اوایل قرن حاضر پرولتاریای متمرکز صنعتی با این شکل از مبارزه آشنا می‌شود و مهمترین اعتصابات به نام نفتگران به ثبت می‌رسد. در آن هنگام هم طبقه کارگر و هم پیشروان آن در حال تجربه و فقدان سنت‌های کمبود تجربه و فقدان سنت‌های سازمانی در اشکال سندیکیایی، اختناق رضاخانی و اختناق مضاعف در جنوب (هم از سوی رضاخان و هم از سوی امپریالیسم انگلیس) اجازه نداد طبقه کارگر به شکل‌های گسترده‌ای از تشکل برسد و محیطه تاثیر مبارزات خود را هم در درون خود طبقه و هم در میان کل زحمتکشان، توسعه بخشد. با همه این وجود در همان دوران استبداد رضاخانی نیز این طبقه کارگر جوان ایران است که مهمترین حرکت‌ها را به نام خود ثبت می‌کند.

پس از سیری شدن دوره استبداد رضا خانی، جنبش کارگری اعتلای بی‌نظیری یافت. از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲ طبقه کارگر ایران در دو مرحله بهم پیوسته و مکمل هم، جنبش سندیکیایی را تعمیق بخشید، به ست دستیابی سلاح آگاهی و تشکل حرکت کرد و با برخورداری نسبی از سنگر تشکل، رزم خود را در مقابل دربار، امپریالیسم و بورژوازی پیش برد. طبقه کارگر ایران در این سال‌ها نشان داد که تا چه حد برای تشکل شدن آمادگی دارد و قادر است به مجرد فراهم شدن زمینه‌های سیاسی، عقب افتادگی خود را در این زمینه جبران کند. طبقه کارگر ایران در دو مقطع دیگر این قابلیت قابل انکار را به عینه نشان داد: در فاصله ۲۹ تا ۴۲ با گسترده‌تری کمتر و پس از انقلاب بهمین و در جریان آن با بیشترین گسترده‌گی.

در فاصله ۲۰ تا ۲۲ طبقه کارگر ایران مبارزات کم نظیری را پیش برد: نبرد خونین ۲۲ تیر ۱۳۲۵ در مناطق نفت خیز علیه شرکت نفت انگلیس، اعتصاب در کارخانه شاهی در سال ۱۳۲۹، اعتصاب عظیم در صنایع نفت در پایان سال ۲۹ و اوائل سال ۱۳۳۰ و نظایر اینها.

وقتی ارتجاع غالب می‌شود، در درجه اول می‌کوشد سلاح تشکل را از کف کارگران خارج سازد. پس از کودتای ۲۸ مرداد بلافاصله یورش به سندیکیاها و تشکل‌های کارگری آغاز شد، اما مبارزه طبقه کارگر استمرار یافت. پس از این کودتا مجدداً با مساله عقب افتادگی شکل مبارزه (قالب سازمانی) از نضمون مبارزه طبقه کارگر روبرو می‌شویم. اختناق که کودتای ۲۸ مرداد به دنبال آورد، مبارزه طبقه کارگر ایران را دچار سستی ساخت. بروز تعدادی اعتصابات کوچک و بزرگ و بالاخره خروش کارگران نفت در آبادان در مرداد ۱۳۴۴، خواب خوش کودتاگران را بهم زد.

در سال ۱۳۴۶ نفتگران در مسجد سلیمان و آغاچاری به اعتصاب مبادرت ورزیدند. در سال ۱۳۴۷ کارگران اصفهان، کارگران لوله نفت در جزیره خارک، کارگران بندر شاپور و رانندگان تاکسی در تهران، و در سال بعد کارگران کارخانه ریساف اصفهان، دست به سلاح اعتصاب بردند. سال ۱۳۴۸ یادآور اعتصاب متشکل ۲۰ هزار کارگر کوره-پزخانه‌های تهران است. این اعتصاب با یورش تفنگ به دست‌های شاه سرکوب شد و در جریان آن ۵۰ نفر کشته و زخمی گشتند. اعتصاب کارگران کارخانه وطن اصفهان نیز به همینسان رنگ خون گرفت. سال ۱۳۴۰ سال حرکت‌های کارگری بی‌دری بود. تهران، مسجد سلیمان، شیراز، رشت، اصفهان، لنگرود، منجیل، بندر معشور و چند شهر دیگر شاهد رزم کارگران بودند. در سال بعد مجدداً کارگران کوره-پزخانه‌ها به پا خاستند. مشخصه حرکت‌های کارگری در این سال‌ها (۲۹ تا ۴۲) گسترده‌گی و سازمان یافتگی نسبی آنها بود.

در دهه چهل صفوف طبقه کارگر از نظر کمی رشد یافت. غلبه مناسبات سرمایه داری هر سال توده‌های بیشتری را به درون کارخانه‌ها فرستاد. ترکیب سنی، جنسی و اجتماعی طبقه کارگر (به اعتبار خاستگاه و منشأ) پرولتراها (جدید) و نیز توزیع جغرافیایی صفوف این طبقه، تغییرات چشمگیر و مهمی یافت. مجموعه تجربیاتی که در درون خود جنبش کارگری انباشته بود، به هیچ وجه نمی‌توانست پاسخ گوی همه این تحولات باشد. از همینرو عامل انقطاع و ناپیوستگی در اشکال مبارزاتی و سازمانی، خود را به صورت چشمگیرتری نشان داد.

سرمایه داری هر سال توده‌های بیشتری را به درون کارخانه‌ها فرستاد. ترکیب سنی، جنسی و اجتماعی طبقه کارگر (به اعتبار خاستگاه و منشأ) پرولتراها (جدید) و نیز توزیع جغرافیایی صفوف این طبقه، تغییرات چشمگیر و مهمی یافت. مجموعه تجربیاتی که در درون خود جنبش کارگری انباشته بود، به هیچ وجه نمی‌توانست پاسخ گوی همه این تحولات باشد. از همینرو عامل انقطاع و ناپیوستگی در اشکال مبارزاتی و سازمانی، خود را به صورت چشمگیرتری نشان داد.

سال ۱۳۴۲، سال اعتصاب کارخانه ریسندگی و بافندگی زاینده رود اصفهان، کارگران نفت و کارگران راه آهن بود. در سال بعد، کارگران کارخانه صنایع پشم اصفهان و تاکسی رانان تهران به پا خاستند. در نیمه دوم دهه چهل حساسیت رژیم بر روی تشکلهای کارگری چند برابر گردید. با این وجود، کارگران از پا نیفتادند. در سال ۱۳۴۷ کارگران کارخانه‌های ریسندگی و بافندگی

اتحاد گسترش یابنده پرولتاریا

گاه گاه کارگران پیروز می‌شوند ولی این پیروزی‌ها تنها پیروزی‌های گذرنده است. نتیجه واقعی مبارزه آنان، کامیابی بلاواسطه آنان نیست، بلکه اتحاد کارگران است که همواره در حال تشنج است. مارکس و انگلس (مانیفست حزب کمونیست)

کشتارگاه تهران، اعتصاب در کارخانه ارج، اعتصاب در سیمان آپیک، اعتصاب گسترده در بنز خاور، اعتصاب در کفش بلا (اعتصابی که رژیم برای خواباندن آن به مسلسل متوسل شد)، اعتصاب در بندر شاپور، اعتصاب در شرکت فلور، اعتصاب در نیروگاه اتمی بوشهر، اعتصاب در دخانیات، پست، پارس استیل، کشت و صنعت کارون، جفرال موتورز، بوتان، ایران تایر، سیتروئن و... این اعتصابات روح و جان سال ۵۶، سال جوش بزرگ را تشکیل می‌دهند. شاخص اصلی اعتلای انقلابی، در درجه نخست این اعتصابات بودند. در سال ۵۷، سال انقلاب، همه بقیه در صفحه بعد

تهران و ۱۲ هزار نفتگر در آبادان، پرچم اعتصاب را برافراشتند. سال ۱۳۴۹ سال اعتصاب کارگران جلفا و کارخانه‌های آریا و شاهین، مقدم، فخر ایران، قرقره زیبا، اتوبوسرانی تهران، نورد اهواز و نساجی یزد و اصفهان بود.

سال ۱۳۵۰ یادآور به خون کشیدن راهپیمایی اعتراضی کارگران جهان چیت کرج به دست قداره بندان شاه است. اعتصاب در ماشین سازی اراک، گونی بافی چتایی، چیت سازی شهرری، و نورد اهواز از دیگر حرکت‌های مهم کارگری این سال بود. در سالهای ۵۲ تا ۵۵ واژه سرخ اعتصاب در فضای کارخانه‌های ایران ناپیونال، نفت آبادان، توان بین،



از رزمندگی طبقه کارگر ایران

بقیه از صفحه قبل

حرکتهای کارگری مشخصاً رنگ سیاسی یافتند. کارخانه‌ها از جمله مهمترین کانونهای رزم انقلابی بودند. در فاصله فروردین تا ۱۷ شهریور ۵۷ بیش از ۵۰ اعتصاب کارگری کوچک و بزرگ اعتلای انقلابی را شتاب بخشید. این اعتصابات از ۲۰۰ نفر تا ۸۰۰۰ نفر را در بر می‌گرفتند. اعتصاب ۷۰۰۰ نفری کارگران صنایع فولاد اهواز در ۱۵ شهریور و همزمان با آن اعتصاب ۸۰۰۰ نفری کارگران شرکتیهای مانا، ماشین‌سازی پارس و فاسترویلر شاخص غلبه کامل روحیه خیزش انقلابی در فضای کارخانه‌ها بود. در این فاصله، همه کارخانه‌ها دارای کمیته‌های اعتصاب شده بودند. فقدان تشکلهای آماده کارگری و ضعف شدید رابطه پیشاهنگ با طبقه باعث شد که پیوند بین این کمیته‌ها باید یکدیگر از طریق "محله" برقرار شود و نه در ارتباط مستقیم خود آنها. آگاهی طبقاتی در آگاهی جبهه‌ای گم شد و طبقه‌ای که شایستگی عینی رهبری انقلاب را بر عهده داشت، از ایفای این نقش بازماند. در آستانه موقعیت انقلابی، حرکت اعتصابی در کارخانه‌ها فراگیر شد. مبارزه پرولتاریای صنعتی قلب و کانون اصلی حرکات کارگری را تشکیل دادند. حرکت اعتصابی با خواسته‌های سیاسی و صنفی در پیست واحد بزرگ صنعتی با ۴۰۰۰ کارگر، قدرت و رزم او را به پرولتاریا را به نمایش درآورد. از ۱۷ شهریور به بعد هدف سرنگونی رژیم با صراحت تمام سمت اصلی جنبش اعتصابی را تشکیل می‌داد. دیگر کارخانه‌ای نبود که با این هدف به پا خیزد. طبقه کارگر، اولین طبقه که رابطه انقلاب داده بود و اولین وظیفه را بردوش داشت که معترضین ضربه را وارد کرد و در بخش در توازن قوا را به نام خود ثبت کند. اعتصاب کارگران نفت. این اعتصاب ضربه‌مرکب‌باری را بر پیکر رژیم نهاد. ساخت این اعتصاب روند انقلاب را به بالاترین مدار خود سوق داد و زمینه سرنگونی رژیم شاه را کامل کرد. دیگر کارخانه‌های بزرگ صنعتی نیز انرژی عظیمی به این روند بخشیدند؛ ذوب آهن اصفهان با ۴۰۰۰ کارگر، ماشین‌سازی و تراکتور سازی و لیفت

تراک سازی تبریز، ایران ناسیونال، نیروگاههای برق، پالایشگاه، کارخانه‌های اراک و قزوین و جاده‌های سبز کرج - تهران. در کوچه‌ها و خیابانها نیز مقدم بر همه، این کارگران بودند که می‌جنگیدند. کارگران، زحمتکشان و تبه‌دستان شهر و روستا؛ اینان ارتش انقلاب بودند. اینان توده اصلی آن بهمنی بودند که به حرکت درآمد و در روز ۲۲ بهمن، کاخ شاه را درهم کوبید. ما برای اسلام انقلاب کردیم، نه‌ان و خریزه. در فرای انقلاب این تغییر نفرت انگیز، توده زحمت را با همان زنجیری که بر دست و پا داشت، به پشت ماشین‌ها راند. مهمترین خیزش انقلابی در تاریخ ایران با شکست مواجه شد و ضد انقلاب هاری بر میهن ما مسلط گردید که فریب توده‌ای مهمترین رکن حیثیت آن بود. اما توفان انقلاب به یکباره فرو نشست. طبقه کارگر ایران با تمام توان موجود خود در شرایط فریب گسترده توده‌ای که در درون کارخانه‌ها نیز رخنه وسیعی داشت، کوشید دستاوردهای انقلاب را حفظ کند. در اکثر کارخانه‌ها، شورا برپا گردید. مضمون غالب در این شوراها که ادامه کمیته‌های اعتصاب بودند، اعمال کنترل کارگری بود. واژه "شورا" اساساً در کارخانه‌ها تولد یافت و سپس در همه جا بر سر زبانها افتاد. گسترش یافتن این واژه تا حدی که ضد انقلاب نیز برای مسخ آن، آیه‌ای آسمانی حاوی این کلمه را نمی‌یافت، به هیچ وجه اتفاقی نبود. شورا، اصل‌ترین واژه اثباتی در فرهنگ انقلاب بهمن بود. سال ۵۸ سال آمیختگی و دو عنصر مقاومت و تعرض‌های گسترده و در عین حال موضعی بود. گسترده‌گی حرکت‌های کارگری در این سال در تحلیل‌هایی با عوامل قابل توضیح است. علاوه بر تأثیر انرژی جنبشی انقلاب و جنبش‌های نسبی ناشی از مقاومت مردم فرهنگ انقلاب و تأثیراتی‌های ضد انقلاب حاکم. کارگران به عنوان یک رکن عمده جنبش نهادهای رژیم شاه را درهم کوبیده و کردند و اکنون می‌خواستند به پایه‌های آن یورش آورند. در سال ۵۸ کارگران بطور

غریزی خواسته‌های خود را داشتند؛ مبارزه علیه سرمایه. آنها برای پی‌گرفتن این مبارزه با سروزیم تازه مواجه می‌شدند. از اسفند ماه ۵۷ به بعد موضوع اخراج و یا دستگیری نمایندگان کارگران و اعضای شوراها کارگری جای مهمی از اخبار کارگری را به خود اختصاص داد. علی‌رغم فتوای مکرر خمینی و دیگر فقهای کوچک و بزرگ، جنبش اعتصابی در بهار ۵۸ و پس از آن ادامه

نیروی پرولتاریا

نیروی پرولتاریا در کشور سرمایه‌داری به مراتب پیش از نسبت پرولتاریا به کل جمعیت است. علت این امر آن است که پرولتاریا بر محور و بر اعصاب تمام سیستم اقتصادی سرمایه‌داری از نظر اقتصادی تسلط دارد و علاوه بر آن از نظر اقتصادی و سیاسی به‌انگیز منافع واقعی اکثریت عظیم زحمتکشان جامعه سرمایه‌داری است.

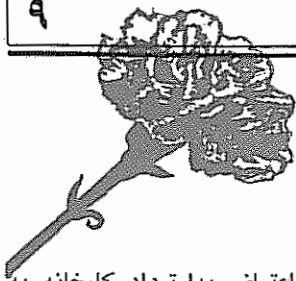
بدین سبب پرولتاریا، حتی زمانی که اقلیت جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد (بازمانی که پیش‌آهنگ آگاه و واقعا انقلابی پرولتاریا اقلیت جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد)، توانایی آن را دارد که هم بورژوازی را سرنگون سازد و هم سپس از میان توده نیمه پرولتر و خرده بورژواکه هیچگاه از پیش به سود فرمانروایی پرولتاریا سخن نگویند و اهدافی را که این فرمانروایی را درک نکرده‌اند کرد و فقط بر اساس تجارب بعدی خویش به ناگزیری و صحت و قانونمندی دیکتاتوری پرولتاریا معتقد خواهند شد، متحدان بسیاری به سوی خود جلب کند.

طوابعی و در بهترین حالت تشکیل مجمع عمومی تبلور یافتند. در سال ۶۱ در بدترین شرایط از نظر خفقان و فشار طبقه کارگر ایران توانست در برابر قانون کار توکل‌ی بایستد و این قانون را به زیر پا افکند. در سالهای ۶۱ و ۶۲ اگر از جنبش توده‌ای سخن رود، باز نخست باید بر روی حرکت‌های کارگری انگشت نهاد.

از نیمه دوم سال ۶۲ به بعد، مبارزات کارگری تکان تازه‌ای یافتند. سال ۶۲ فرارسید و طبقه کارگر ایران در این سال، یکبار دیگر توانمندی و قابلیت‌های نهفته در خود را به نمایش نهاد. طلایه‌دار جوش سال ۶۲، اعتصاب کارگران دختانیات تهران در ۱۱ دی ماه سال ۶۲ بود. سرکوب خشن این اعتصاب موجی از نفرت در کارخانه‌های مختلف برانگیخت. جنبش اعتصابی مجدداً رونق یافت. حرکت‌های اعتصابی در مجموعه حرکت‌های کارگری سال ۶۳ وزن بالایی را به خود اختصاص دادند. همه گزارشها و تحلیل‌های کارگری

یافت. هدف حرکت‌های اعتصابی جلوگیری از اخراجها، افزایش دستمزدها، جلوگیری از اخراج‌های سرمایه‌داران و در جامع‌ترین بیان و آگاهانه‌ترین شکل طرح خواسته‌ها، اعمال کنترل بر تولید بود. مجموع حرکت‌های کارگری مهم در این سال تا ۴۰۰ مورد برآورد می‌شود. در این سال کارگران گام‌های بلندی برای سازمانیابی برداشتند و تشکلهای مختلفی رایبی ریختند. رابطه عنصر ذهنی و پیشرو با طبقه در این سال تقویت گردید و کارگران بسیاری با ایدئولوژی طبقه خود در تماس قرار گرفتند. با همه این توصیفات، جنبش کارگری نتوانست در این سال پراهمیت بار خود را ببندد و برای تداوم مبارزه آمادگی یابد. طبقه کارگر بیش از آن که با آگاهی طبقاتی حرکت کند، باغریزه طبقاتی حرکت می‌کرد.

در سال ۵۹ حرکت متوقف نگشت اما از سوی ضد انقلابی که بردوش انقلاب نهشته بود، ضربه‌های



در اعتراض به استرداد کارخانه به مالک پیشین، از جمله مهمترین اعتراضات کارگری سالهای ۶۴ و ۶۵ به دلیل به این اعتراضات و مجموعه دیگری از اعتراضات جمعی، باید آنبومی از مبارزات فردی به صورت خودداری از رفتن به جبهه و عدم پرداخت بخشی از دستمزد برای یک به جبهه و غیره افزود.

رژیم در سال ۱۳۵۷ به بحث قانون بهرینگی و نیز مجدداً قانون کار را پیش کشید. کارگران برخلاف حساسیتی که نسبت به قانون کار توکلی خود نشان دادند و برخورد به آن را به بحث روز در مجامع کاری تبدیل کردند، در مجموع نسبت به این دو قانون بی تفاوت برخورد نمودند. وجه مثبت این نحوه برخورد که به نوعی تحریم می ماند، نشان دهنده قطع هرگونه امید نسبت به ایجاد کشایشی در چارچوب بسته این رژیم است.

* * *

مبارزات کارگری در میهن ما، علی رغم تمام افت و خیزهای به خط متد سرخی می ماند که از خلال حوادث مختلف ۶۰ ساله گذشته کشور می گذرد و جهت آینده را نشان می دهد. همچنان که در ابتدای مقاله ذکر کردیم در مبارزات کارگری، اگر انفعالی دیده می شود در شکل است و نه در مضمون. اما مبارزه طبقه کارگر اساساً در حالت شکل یافته قادر است مهر خود را بر حوادث بکوبد و طبقه را به مثابه طبقه وارد کارزار سازد. تنها در دو مقطع ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲ و ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ (و بسیار کم رنگ تر در فاصله ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲) مضمون به سمت شکل پایسته خود حرکت کرده است. راهی که طبقه کارگر در عرض یک مدت کوتاه در شرایط آزاد می تواند طی کند با راه طی شده در مدتی پس دراز در شرایط اختناق قابل مقایسه نیست. یکبار برای همیشه باید این گمان را بدور انداخت که خواسته کارگران یک چیز است و مبارزه در راه دموکراسی یک چیز دیگر. تلاش در جهت تشکیل یبایی پرولتاریای ایران، انسان که تمام یا بخش اعظم طبقه را در برگیرد تنها در جریان فتح چند سنگر اصلی و مقدم در مبارزه دموکراتیک (و پیش از همه سرنگونی جمهوری اسلامی) و به تناسب پیروزیهای که در این عرصه به چنگ می آید، بقیه در صفحه بعد

خواسته های معیشتی (خواسته افزایش دست مزد به شکل مستقیم و یا در اشکالی همچون طرح خواسته عیدانه، حق بهره وری، سود سالیانه و نظایر اینها) دور می زد. حرکت های کارگری در کارخانه های ماشین سازی اراک، پشم شیشه شیراز (به صورت تصرف کارخانه)، نیروگاه رامین (به صورت کم کاری با خواسته افزایش دستمزد)، آکام فلز (به صورت اعتراض جمعی نسبت به عدم افزایش دستمزد)، اتسفر (اعتراض به کاهش دستمزد)، خط لوله شهری (اعتراض به عدم پرداخت به موقع دستمزد) و عیدانه، چاپخانه های تهران (اعتراض به تلاش وزارت کار برای منسوب کردن عوامل خود در هیات مدیره تعاونی مصرف صنف چاپ)، پوشش رشت (طومار نویسی و تهدید به اعتصاب در اعتراض به خطر

نشان می دهد که کارگران در هنگام طرح خواسته های مطالباتی خود رود روشن با ارگانهای سرکوب رژیم را پیش فرض مسلحی در نظر می گرفته اند و خود بخود به عامل مخفی کاری توجه داشته اند و طبیعتاً هنوز دارند. خواسته های کارگران در این سال، اساساً حول مسائل معیشتی دور می زد.

در میان متجاوزان ۲۰۰ حرکت کارگری عمده سال ۶۲ اعتصاب خونین کارگران شرکت ساسان و اعتصاب عظیم ذوب آهن اصفهان جای برجسته ای دارد. اعتصاب ذوب آهن بویژه نشان داد که علی رغم فقدان تشکیل، باز طبقه کارگر از آنچنان توانی برخوردار است و انگیزه های آن، بدان حد نیرومند است که بتواند در شرایط اختناق نیز به حرکت های گسترده و پربازتاب دست زند.

در سال ۶۲ جنبش کارگری نشان داد که به راستی نیرومندترین بخش جنبش توده ای است. اما جنبش کارگری عمدتاً به دلیل ضعف شکل در شرایط ضعف جنبش توده ای، تنها می تواند حد معینی برای حرکت در پیش رود داشته باشد. مقایسه حرکات کارگری سال ۶۲ با دوسال پس از آن، ما را به این نتیجه گیری می رساند که تنها کافی نیست برجایگاه و مقام جنبش کارگری در جنبش توده ای تأکید کنیم. به رابطه متقابل این دو که بالطبع از یکدیگر جدا نیستند اما به یک اعتبار از هم متمایزند - نیز، باید توجه داشته باشیم. در شرایط ضعف جنبش توده ای، تنها تشکلهای کارگری هستند که قادرند آهنگ رشد مبارزات کارگری را حفظ کنند. این دومین نکته قابل توجه و تأکید در هنگام مقایسه جیش سال ۶۲ با حرکت های کارگری در سالهای ۶۴ و ۶۵ است.

از اواخر سال ۶۲ به بعد موضوع اخراجهای دسته جمعی کارگران برجستگی یافت و در سال ۶۵ اوج گرفت. این موضوع تأثیر دوگانه ای بر روی مبارزه کارگران نهاد: از یک سو این موضوع حاد را در میان مجموع موضوعاتی که محورهای مبارزات کارگری هستند برجسته کرد، نفرت از رژیم و جنگ را در کارخانه و خارج از آن تعقیب برد و از سوی دیگر انگیزه حفظ شغل بر روی خواسته های مطالباتی دیگر سایه افکند. تا حد زیادی این عامل دوم، سال ۶۵ را از سال ۶۲ جدا می سازد. با این وجود مبارزات کارگری از جمله حول مقابله با اخراجها از حرکت باز نایستاد. خواسته های کارگران در دوسال ۶۴ و ۶۵ نیز همچون سال ۶۲ عمدتاً حول محور

بنیاد استراتژی پیشاهنگ پرولتاریا

کمونیستها همه جا از هر جنبش انقلابی بر ضد نظام اجتماعی و سیاسی موجود، پشتیبانی می کنند.

آنها در تمام این جنبش ها مساله مربوط به مالکیت را، بدون وابستگی به این که شکلی کم یا بیش رشد یافته به خود گرفته باشد، به عنوان مساله اساسی جنبش تلقی می کنند.

سرانجام، کمونیستها همه جا برای نیل به اتحاد و توافقی احزاب دموکراتیک همه کشورها می کوشند.

کمونیستها عا دارند که مقاصد و نظریات خویش را بنیان سازند. آنها آشکارا اعلام می کنند که تنها از طریق واژگون ساختن همه نظام اجتماعی موجود، از راه جبر، وصول به هدفهایشان میسر است. به گذار طبقات حاکمه در مقابل انقلاب کمونیستی برخورد بلرزد. پرولتراها در این میان چیزی جز زنجیر خود را از دست نمی دهند، ولی جهانی را به دست خواهند آورد.

مارکس و انگلس (مانیفست حزب کمونیست)

طرح طبقه بندی مشاغل)، کشت و صنعت مغان (اعتصاب حول مجموعه ای از خواسته های مطالباتی)، دیوو (اعتصاب به خاطر شرایط کار)، پشمباف تهران (اعتراضات مداوم برای جلوگیری از بسته شدن کارخانه)، باف ناز اصفهان (اعتصاب برای دریافت حق بهره وری)، سیمان تهران (اعتراض به خاطر پائین بودن حق بهره وری پرداخته شده)، نکا (مخالفت با اعزام اجباری به جبهه ها)، ریسندگی اراک (تحصن در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه)، وزنه (گروگان گرفتن مدیر کارخانه)، ریسباف اصفهان (اعتصاب و تحصن در اعتراض به کاهش حقوق)، یولنیت اهواز (اعتصاب در اعتراض به تغییر ساعات کار به بهانه شرایط جنگی) و آرد دستاس ساری (راهپیمایی

کاهش دستمزد)، نوافرم (اعتراضی که منجر به اخراج مدیر مکتبی منصوب از سوی بنیاد مستضعفان گردید)، ذوب آهن (طومار نویسی علیه کاهش فوق العاده حقوق کار در روزهای تعطیل)، ریسندگی و بافندگی فومنت (اعتصاب حول خواسته های مطالباتی)، اتسفر (اعتصاب در اعتراض به شیوه پیاده کردن طرح طبقه بندی مشاغل)، کشتارگاه شیراز (اعتصاب با خواسته افزایش دستمزد)، ماشین سازی مهندس فرهمند و کارخانه موثقات جرقیل های فرانسوی (اعتصاب در اعتراض به اخراج کارگران)، رادیاتور ایران (اعتصاب علیه عدم افزایش دستمزد به صورت وعده داده شده)، پالایشگاه پید بلند (اعتصاب در اعتراض به شرایط کار)، ایران ناسیونال (اعتراض در اشکال تجمع، تحصن



از رزمندگی...

بقیه از صفحه قبل

می تواند به تمرینشیند.

مونیس ماتریالیستی تبدیل کردن یک معادله چند عاملی به یک معادله تک عاملی نیست و اگر به مونیس ماتریالیستی پایبند باشیم می توانیم دریابیم که چگونه باید ضمن شناختن اولویتها هدف اصلی یعنی حرکت در جهت آگاه ساختن و متشکل کردن پرولتاریا، تنها نیروی شایسته برای رهبری انقلاب آینده را از یاد نبریم. پرولتاریای ایران، پیگیرترین و رزمنده ترین طبقه اجتماعی در میهن ماست. این سخن نه کلی و شعاری، بلکه یک استنتاج عینی، روشن و مستدل تاریخی است. پرولتاریای ایران برای تبدیل شدن به نیروی هژمون، باید نقشی چند برابر سهم عددی خود در ترکیب جمعیت ایفا کند. تنها سازمان یابی و تعمیق پیوند با پیشامنگ قادر است به این طبقه چنین نیرویی دهد. سازمان یابی و تعمیق پیوند با پیشامنگ اصولا در جریان و پس از حذف قطعی موانع عمده در راه دستیابی به این آماج ها می تواند ابعاد طبقه ای بیاید. از همینرو در شرایط کنونی تلاش در جهت سرنگونی هر چه سریعتر جمهوری اسلامی، مهمترین گامی است که باید در جهت رسیدن به این اهداف، برداشته شود. هر روز از عمر این رژیم یعنی فرصتی بیشتر برای بقای بیشتر ایدئولوژی های غیرپرولتاری، ارتجاعی و بورژوایی در صفوف طبقه، یعنی فلاکت بیشتر طبقه، یعنی کاستن شدن از صفوف طبقه، یعنی دور افتادن آن از اصلاح اصلی خود که همانا تشکل است، یعنی امکان پیشی گرفتن رقبای و دشمنان طبقاتی در سازمان یابی و نفوذ ایدئولوژیک. کارخانه هم امروز مهمترین سنگ رزم ماست. اما نباید از خاطر ببریم که باید شرایطی را فراهم سازیم که بتوانیم در این سنگر، گسترده ترین مبارزه را فراهم سازیم. نهل به این هدف مقدم بر همه باید از درون خود این سنگر صورت گیرد. هر چه نقش طبقه کارگر در سرنگونی جمهوری اسلامی بیشتر باشد، بیشتر قادر خواهد شد در جریان سرنگونی و پس از آن، خود را به صورت یک طبقه، متشکل سازد و به سمت تسخیر آینده، خیز بردارد.

در سالی که گذشت میلیونها کارگر بیکار ماندند

بقیه از صفحه ۶

گسترده رژیم ابعاد گسترده ای یافت. از سوی دیگر، مسئله "بیمه بیکاری" و صندوق همیاری کارگری در جنبش مطالباتی کارگری وسیعا مطرح شد. اخراجهای گسترده، مسئله بیکاری را در راس جنبش کارگری کشور قرار داد. اعتصابات و اعتراضات گسترده کارگری رژیم را بر آن داشت تا با "طرح قلب شده" بیمه بیکاری، تلاش ورزد تا مبارزه اصیل کارگران را دچار انحراف سازد. طرح بیمه بیکاری مورد نظر رژیم که بطور رسمی توسط کمالی رئیس کمیسیون کار و امور استخدامی مجلس شورای اسلامی اعلام شد، در راستای تکمیل سیاست ضد کارگری رژیم می باشد. هزینه طرح بیمه بیکاری عمدتا بردوش کارگران برده و دولت کمترین هزینه ای را در این زمینه متحمل نمی شود. در مصاحبه روزنامه کیهان ۱۵ دیماه با اعضای کمیسیون کار و امور اجتماعی و استخدامی مجلس شورای اسلامی، تصریح شده است: "این لایحه برای دولت بار مالی ندارد. روشی که این لایحه در تأمین هزینه های خود دارد، اینست که از کارگر و کارفرما جدا شده درصد حق بیمه می گیرد که همین وجه را در واقع بعنوان بیمه بیکاری به افراد بیکار می دهند." بدیهی است که کارفرما نیز هزینه پرداخت حق بیمه را بر بهای تمام شده کالا می افزاید و بار دیگر این هزینه را به مصرف کنندگان و بخصوص کارگران تحمیل می کند. در مصاحبه پیش گفته همچنین فاش شد که طرح بیمه بیکاری با رعایت منافع کارفرمایان تدوین شده است. در آن مصاحبه اعلام گردید: "بر اساس قانون کار اگر کارگری بدون میل و اراده از کار بیکار شود، کارفرما موظف است که خسارت بیکاری کارگر را بپردازد. اما وقتی که بیاید این را در پوشش بیمه بیکاری انجام دهد و درصدی را بعنوان حق بیمه پرداخت کند، اولاً از پرداخت یک وجه بسیار زیاد ناگهانی دور است، ثانیاً ممکن است میزان پرداخت حق بیمه هرگز معادل خسارتهایی که کارفرما بابت بیکار شدن کارگر می پردازد نباشد..." بدین ترتیب رژیم با طرح بیمه بیکاری مورد نظر خود، نه تنها به خواسته های اصلی کارگران پاسخ نمی دهد، بلکه هدف اخراج ارزانتر و استخدام ارزانتر را دنبال می کند. جنبش سیاسی و مطالباتی طبقه کارگر، علیرغم فراز و نشیبهای سال های اخیر، در قلب مبارزه عمومی ضد رژیم قرار دارد و به پیش می رود. بیکاری فزاینده و سلاح اخراج کارگری گرچه "افت نمودی" اعتراضات کارگری را در پی داشته ولی هیچگاه قادر نخواهد بود برجایگاه جنبش کارگری میهن در عرصه مبارزه ضد حکومتی خلل وارد سازد. رژیم از جنبش کارگری به شدت در هراس است. در مصاحبه اعضای کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس شورای اسلامی این هراس بازتاب یافته است: "تازه اگر به اینها (کارگران بیکار) کمک نشود و پولی ندهند، باعث می شود که مشکلات در جامعه بوجود آید. وقتی که یک کارگری بیکار می شود و امکاناتی برایش نیست و بیمه نگیرد، دردسر و گرفتاری بیشتری در جامعه ایجاد می کند." رژیم از همین "گرفتاری بیشتر" در هراس است.

کارخانه، جای کدام یک از ایدئولوژی هاست

روزنامه رسالت ۲۱ اسفند ۶۵:

"کارخانه ها از جهتی با دانشگاهها مشابهتی خاص دارند. جریان مبارزه اسلامی در کارخانجات همانند دانشگاهها ناشی از تمرکز فعالیت فکری و تبلیغی منحرفین در کارخانجات بوده است. البته در این بعد شرق زدگان و وابستگان به تفکر مارکسیستی نقش بیشتری را دارا بوده اند. جریان غربی در کارخانه ها چون عمدتا در شکل کارفرما و کارخانه دارهای وابسته تجلی داشته است، لذا کارگران از ابتدا با آن مخالف و زمینه ای برای رشد نداشته است. ولی جریان مارکسیستی بنا به تفکرات خود چون قشر کارگر را تنها نیروهای مورد نظر خود در مبارزه می پندارند، لذا فعالیت وسیعی را در جهت نشر تفکرات غیر اسلامی در کارخانه ها انجام می دادند و از آنجا که کارخانه ها با مراکز اسلامی و روحانیت ارتباطی نداشتند، این تبلیغات مسموم تا حدودی زیادی موثر واقع شد و لذا می بینیم با این که کارگران و کارخانه ها مبارزاتی هر چند محدود در تاریخ معاصر داشته اند، ولی این فعالیتها عمدتا در خط اصیل اسلام نبوده است."

اندیشه های یک مادر

من یک زن کارگرم، یک ریسنده پیر بر سرم نشسته است گرد سفید سالها. چهارده ساله بودم که رانده شدم به میان چرخها و صد اها. تنهایمانی که عروس شدم، سه سال در خانه چان گذفم. اما شوهرم که دچار سانه شد، باز به سرکار آمدم.

من یک زن کارگرم، ریسنده ای پیر کارگری هستم با اصل و نسب کارگری. سال پرم از پنجاه گذشته است. از پام تا شام چان می کفم اما همه منظر که چرخ را می چرخانم، می دانم:

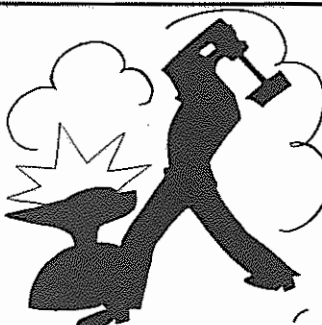
ماهه آخر خطنرسیده ایم! وقتی چرانسان را می بینم، می دانم، آنها وضع را تقهیر خواهند داد.

من یک زن کارگرم، ریسنده ای پیر اعتصاب کرده ام، دیده ام که چگونه مباشر، سود را عاید کارفرما می کند. احق که نیستم، شعور دارم: وقتی که چرخ دستی را می گردانم، می بینم که فقره ها حرکت می کنند.

پس می اندیشم، من، یک زن کارگر پیر، نخ ها از همه جا می آیند، اول نمی دانند از کجا و به کجا اما به شانه که می رسند، همه به هم گره می خورند و یکی می شوند.

پرولترها، درس بگریید! به حرکت در آید! همه با هم در یک جبهه متحد گردید! جبهه ای با ریشه در اعماق.

* هدا تیسفر شاعره اتریشی در سال ۱۹۰۷ متولد شد. وی در سال ۱۹۲۹ به عضویت حزب کمونیست آلمان درآمد و هم اکنون در آلمان دموکراتیک زندگی می کند.



جنبش در مبارزات انتخاباتی، پرنفوذترین و سازمان یافته‌ترین نیروی سیاسی مستقل بود. این، از جمله دلایل تغییر تناسب قوا در کنفره آمریکا بر اثر انتخابات نوامبر ۱۹۸۶ محسوب می‌شود. سندیکاها قاطعانه با انحصارات، راست‌های افراطی، فاشیسم و نژادپرستی مقابله می‌کنند، در مبارزه علیه همدستی امپریالیسم آمریکا با رژیمهای ارتجاعی و فاشیستی در آفریقای جنوبی و شیلی و حمایت از این رژیمها فعالانه شرکت می‌جویند و علیه سیاست تجاوزکارانه آمریکا در نیکاراگوئه و السالوادور شدیداً دست به اعتراض می‌زنند.

اکثر سندیکاهای بزرگ کشورها به جنبش مبارزه برای متوقف کردن تسلیحات هسته‌ای پیوسته‌اند... مطالباتی که در ایالات متحده سابقه ندارند - نظیر خواست کنترل کارخانجات توسط دولت و یا دولتی کردن صنایع و بانکها - در جنبش سندیکایی در همه سطوح هر چه بیشتر مورد بحث قرار می‌گیرند و بعنوان راه‌حلی واقعی بینانه قلمداد می‌گردند.

افزایش آگاهی

این آگاهی که وحدت طبقاتی و بنابراین مبارزه علیه نژادپرستی بعنوان مانع راه وحدت، ضروری است، راه خود را می‌گشاید. طبقه کارگر کشورها که شامل مردان و زنان از نژادها و ملیت‌های مختلف است، بر پایه طبقاتی هرچه یکپارچه‌تر متحد می‌گردد...

در چنین فضایی از مبارزه طبقاتی، روند رادیکالیزه شدن، تقویت اعتماد به نفس به مثابه طبقه و... آنچه اهمیت ویژه‌ای دارد - تبلور آگاهی طبقاتی شتاب می‌گیرد. هرچه روشن‌تر دیده می‌شود که در سرمایه‌داری امکانات برای حل مسائل اصلی پیوسته کاهش می‌یابد، بر کشش به سوی سوسیالیسم افزوده می‌گردد.

... از آنجا که مبارزه طبقاتی قانونمند و بنابراین اجتناب‌ناپذیر است با تغییرات در شرایط عینی و در ساختار طبقه کارگر، ماهیت طبقاتی استثمار به هیچ عنوان از بین نمی‌رود، و از این رو این تغییرات بدین معنی نیستند که مبارزه طبقاتی پایان می‌پذیرد. تغییرات مزبور، خصلت سرمایه‌داری را نیز متحول نمی‌سازند و بر ضرورت تاریخی و اجتناب‌ناپذیری سوسیالیسم خدشه‌ای وارد نمی‌آورند.

به مناسبت فرا رسیدن اول ماه مه، روز همبستگی جهانی طبقه کارگر

طبقه کارگر در جهان کنونی

بحران ساختاری

نیز به افزایش شمار بیکاران دراز مدت می‌انجامد. ۵۰ درصد بیکاران، قربانیان تعطیل کارخانجات و رکود ساختارینند. ایشان دیگر هیچ امیدی به یافتن شغل ندارند...

در این شرایط سرمایه انحصاری ایالات متحده و دولت ریگان توانستند دست به تهاجم زده، کارزار ضد کارگری، ضد سندیکایی و نژادپرستانه بیسابقه‌ای به راه اندازند. این امر طبقه کارگر و سندیکاها را در بسیاری موارد واداشت که دست به سازش زده و موضع دفاعی بگیرند. حداقل در سالهای اخیر چنین وضعی حاکم بود.

تشدید بیکاری طبقاتی

اما اینک به نظر می‌رسد که موقعیت تغییر می‌کند. اقدامات زحمتکشان و اعتصابات هرچه تهاجمی‌تر صورت می‌پذیرند. تنها ظرف شش ماه در سال گذشته، تقریباً یک میلیون کارگر در اعتصابات شرکت کردند که برخی از آنها ماه‌ها به طول انجامید...

طبقه کارگر و جنبش سندیکایی باید استراتژی و تاکتیک خود را به نقد کشیده و در آن تجدید نظر کنند...

شرایط نوین در ایالات متحده به تغییرات قابل ملاحظه‌ای در مبارزه طبقاتی و جنبش سندیکایی انجامیده است. اوضاع کنونی زمینه مساعدی برای سیاست سازش طبقاتی فراهم نمی‌سازد. در جنبش سندیکایی، به اشکال مبارزه جویانه‌تر مبارزه طبقاتی رومی آورند.

باید میان سیاست سازش طبقاتی که بر اپورتونیسم مبتنی است از یکسو، و موقعیت‌هایی که در آن طبقه کارگر باید دست به عقب نشینی و اتخاذ موضع دفاعی بزند، از سوی دیگر تفاوت قائل شد. مبارزه دفاعی بنا به مضمون خود، بیشتر دارای خصلت فعال ضد انحصاری است.

جنبش سندیکایی در ایالات متحده در راس مقاومت علیه مشی ارتجاعی ریگان قرار گرفت. این

د صد شاغلین در این رشته‌ها "یقه‌آبی" هستند. (یعنی مستقیماً در تولید شرکت دارند - میلت تحریریه "مسائل صلح و سوسیالیسم".)

طبقه کارگر متحول می‌شود، اما نه از میان می‌رود و نه به لحاظ عددی از گستره آن کاسته می‌شود. طی پنج سال گذشته ۱۰ میلیون نیروی کار جدید بر طبقه کارگر ایالات متحده افزوده شده است. اکنون ۷۵ درصد نیروی کار در بخش خدمات، در پست و مخابرات و سایر شاخه‌هایی شاغلند که در آن "یقه سفید"ها، یعنی کارمندان، اکثریت دارند.

... در کنار تعطیل کارخانجات شاخه‌های پایه‌ای صنایع، تکنیک نوین این تاثیر را دارد که کارخانه‌ها به مناطق غیر صنعتی که فاقد سندیکا هستند انتقال می‌یابند. در نتیجه، مراکز صنعتی از بین می‌رود و بخشهای اصلی طبقه کارگر پراکنده می‌شود...

رکود و بیکاری

در دوره بحرانها، در صنایع می‌توان گرایش عمومی به سمت رکود و افول را مشاهده کرد. این گرایش به ویژه در شاخه‌های با شدت کار بالا، محسوس است. چقدر این حکم لنین صادق است که نوشت: "گرایش به رکود و پوسیدگی که ویژگی انحصار است، کماکان موثر است و در برخی رشته‌های صنایع و برخی کشورها برای دوره‌های زمانی معینی دست بالا را می‌گیرد." علت این امر بطور عمده اقدام انحصارات مبنی بر "اعتصاب سرمایه‌گذاری" است، بدین ترتیب که آنها حاضر نیستند برای مدرنیزه کردن شاخه‌های پایه‌ای صنایع که نیازمند نیروی کار زیادند، سرمایه‌گذاری کنند. در عوض، تولید به مناطقی منتقل می‌شود که هزینه آن کم و سود آن زیاد باشد.

دوره بحرانها در ایالات متحده همچنین با افزایش بیسابقه شمار بیکاران دراز مدت و دائمی همراه است. حتی در فاز صعودی دور تسلسل اقتصادی، رقم بیکاری بیش از ۱۰ درصد است. بیکاری فنون جدید

گس‌هال دبیر کل حزب کمونیست آمریکا طی مقاله‌ای با عنوان "مسائل جدید مبارزه طبقاتی" در "مسائل صلح و سوسیالیسم"، شماره ۱ سال ۱۹۸۷ می‌نویسد:

"مهمترین ویژگی مرحله کنونی این است که برای سرمایه‌داری جهانی، دوره‌ای از بحرانها، رکود و افول آغاز شده است. هرج و مرج و بی‌ثباتی ابعاد بیسابقه‌ای یافته است. مرکز این زلزله، ایالات متحده آمریکاست. ریشه عمیق‌تر بحرانهای متعدد، بی‌تردید بحران عمومی سرمایه‌داری جهانی است که کماکان بنیادهای نظام انحصاری را از بین می‌برد.

در آمریکا آخرین دور تسلسل اقتصاد، هنوز کاملاً وارد فاز رونق نشده بود که بحران ادواری جدیدی آغاز شد. بحرانهای ادواری که از پی هم ایجاد می‌شود، به "پدیده‌ای عادی" تبدیل شده است.

طی ده سال گذشته، بحران ساختاری که متضمن تغییر، دگرگونی و از بین رفتن ساخت بنیانی صنایع است، به هرج و مرج و از هم پاشی انجامیده است. این بحران، شاخه‌های کاملی را از بین می‌برد، مراکز صنعتی را به شهرهای ارواح تبدیل می‌کند و به تعطیل هزاران کارخانه می‌انجامد، به گونه‌ای که میلیونها انسان آواره و از امرامعاش محروم می‌گردند. روند خانه خراب کردن طبقه کارگر از این طریق خصلت نوینی به خود گرفته است.

تغییرات در طبقه کارگر

به علت بحران ساختاری و اتوماسیون و نیز بیکاری "راپوت" ها و مدارهای ادغام شده الکترونیکی، ترکیب نیروهای شاغل تغییر کرده است. هم اکنون در صنایع فرایندی آمریکا ۵ میلیون کارگر کمتر از بخش تجارت و توزیع شاغلند، بانکه تکنولوژی نوین گام به گام به شاخه‌هایی از صنایع سنگین که شدت کار در آن زیاد است راه می‌یابد، ۶۰

به مناسبت فرا رسیدن اول ماه مه، روز همبستگی جهانی طبقه کارگر

طبقه کارگر در جهان کنونی

سال کنگره جهانی سندیکاها

بحران تعمیق یابنده سرمایه داری تاثیر نامساعدی بر وضع همه زحمتکشان و خلقها دارد. این بحران به درجه معینی در کشورهای سوسیالیستی نیز موثر است. این کشورها به دلیل مناسبات تجاری و اقتصادی خود، کشورهای سرمایه داری ناچارند امروز مبالغ بسیار بیشتری بابت کالاها و مواد خام وارداتی خود بپردازند. اما به علت مالکیت اجتماعی بر ابزار تولید و خصلت دموکراتیک برنامه ریزی و اداره اقتصاد، در این کشورها عواقب ناگوار که در کشورهای سرمایه داری هم جا دیده می شود، وجود ندارد...

تکنولوژی نوین،

در خدمت کارگران یا سرمایه داران؟

تکنولوژی نوین می تواند به تشدید استثمار سرمایه داری و یا ارتقای سطح رفاه انسانها بجامد، می تواند در خدمت ترقی اجتماعی و بسود زحمتکشان باشد و یا آزمندی و سودپرستی انحصارات فرامیلتی را ارضا کند... این همه بسته به آن است که نتیجه مبارزه اجتماعی چه باشد.

بکارگیری دستاوردهای علم و فن در تولید، افزایش وابستگی متقابل در اقتصاد جهانی، فعالیت در انحصارات فرامیلتی، سیاست ضد کارگری هماهنگ شده دولتهایی که مرکز انحصارات بین المللی در آنها قرار دارد، و الزامات همبستگی حکم می کند که اقدامات سندیکایی برای دفاع از منافع زحمتکشان بیشتر هماهنگ شود. روز به روز آشکارتر می گردد که هیچ سازمانی به تنهایی نمی تواند مسائلی را که بدینگونه ایجاد می گردند حل کند. زمان آن فرا رسیده است که اقدامات قاطعی برای ارتقا سطح همکاری بین المللی سندیکاها، هماهنگی بیشتر فعالیت آنها و گسترش اتحاد عمل در رابطه با مهمترین مسائل اجتماعی، انجام پذیرد. ترقی اجتماعی، بدون مشارکت دموکراتیک زحمتکشان و خلقها غیر قابل تصور است. از این رو سندیکاها باید از نیروی خود برای به کرسی نشاندن شیوه دموکراتیک مدیریت اقتصادی بهره گیرند.

(۱) پروتکسیونیسیم: مانعیت از آزادی مبادلات اقتصادی و تجاری از طریق برقراری حقوق و عوارض گمرکی و حمایت مالی دولت از تولید کنندگان داخلی در برابر رقابت خارجی.

بورژوازی یورپی به سطح زندگی زحمتکشان و حقوق آنها برده است که از هنگام پایان جنگ جهانی تاکنون بیسابقه بوده است. نه تنها بقای قراردادهای جمعی و نظام های تامین اجتماعی، بلکه همچنین آینده خود سندیکاها نیز در خطر است. هدف این حملات آن است که طبقه کارگر را از دستاوردهایی که طی ده سال مبارزه سندیکایی کسب کرده است، محروم ساخته و روند تکامل اجتماعی را به عقب بازگرداند...

بورش سرمایه به حقوق زحمتکشان

مهمترین ویژگی موقعیت کنونی این است که سرمایه بزرگ، دست به یورش هم چانه و هماهنگ شده علیه منافع حیاتی زحمتکشان زده است. کارفرمایان می کوشند از دستاوردهای انقلاب علمی-فنی، تکنولوژی نوین و در ارتباط با آن تغییرات ساختاری در طبقه کارگر برای اعمال تبعیض در نحوه استخدام و پایین آوردن دستمزدها بهره گیرند. نرخ هایی که طی سالها مذاکرات پیرامون قراردادهای دسته جمعی تعیین شده اند، تغییر می یابند و یا به طور کلی لغو می شوند. آشکارا می کوشند مذاکرات در رابطه با قراردادهای جمعی را به "مذاکرات تسلیم" تبدیل کنند. انحصارات از شیوه های باج خواهی و اعمال فشار بهره می گیرند و خواستار آنند که زحمتکشان با کاهش بودجه اقدامات رفاهی و دستمزدها موافقت کرده از مطالبه تضمین برای حفظ مشاغل چشم پوشی نمایند...

در کشورهای عضو "سازمان همکاریهای اقتصادی برای رشد" (در برگیرنده کشورهای سرمایه داری - م. و برخی کشورهای رشد یابنده سیاست "غیردولتی کردن" و "خصوصی کردن" به ایجاد گسترده ای اعمال می گردد. صندوق بین المللی پول اعمال این سیاست را شرط اعطای اعتبار به کشورهای "جهان سوم" قرار داده است...

به منظور دفاع از آرمانهای صلح و همکاری و مبارزه برای طرز فکری نوین و معیارهایی نوین در عملکرد بین المللی، ممکن است، طرز فکر و معیارهایی که در عصر اتم ضرورت می یابند...

شرایط حساس جهانی

کنگره مادر موقعیت فوق العاده حساس و دشواری تشکیل شد، در زمانی که می توان گفت بشریت به نقطه عطفی رسیده است. از یک سو، دستاوردهای انقلابی و دگرگونیهای مرفقی گسترش یافته، و استقلال ملی خلقهای از بند رشته از سلطه استعماری و امپریالیستی تحکیم شده است. از سوی دیگر نیروهای ارتجاعی امپریالیستی که نمی خواهند به تحولات مرفقی در جهان و به گرایش عمومی پیشرفت در راه استقلال و ترقی اجتماعی تن دهند، فعال تر شده اند.

وضعیت اقتصادی بین المللی رو به وخامت است. این خطر واقعی وجود دارد که موقعیت در کشورهای رشد یابنده بر اثر سیاست ارزی مالی و نیز اقدامات پروتکسیونیسیتی (۱) کشورهای صنعتی سرمایه داری به فاجعه بیانجامد. عوامل عمده دیگر در بی ثباتی اقتصادی، از جمله عبارتند از افزایش بی سابقه قرض خارجی کشورهای "جهان سوم" و نرخ بالای بهره و سایر فشارهای اعمال شده بر این کشورها از سوی صندوق بین المللی پول و سایر سازمانهای مالی سرمایه بزرگ. در این کشورها بیکاری، کمبود اشتغال، تورم، مهاجرت به شهرها، فقدان امکانات آموزش، کمبود مواد غذایی و گرسنگی بطور فزاینده ای به مسائل حاد تبدیل می شوند. تنزل سطح زندگی زحمتکشان در کشورهای صنعتی سرمایه داری به مثابه نتیجه مستقیم تشدید بحران نیز در دوره اخیر ابعاد بسیار نگران کننده ای به خود گرفته است. در جهان شمار کسانی که ناچار به زندگی "زیر مرز فقر" هستند، پیوسته افزایش می یابد. سرمایه، به کمک دولتهایی

در شماره ۱۲ سال ۱۹۸۶ "مسائل صلح و سوسیالیسم" مقاله ای تحت عنوان "جنبش سندیکایی پس از کنگره جهانی" به قلم ابراهیم زکریا، دبیر کل فدراسیون جهانی سندیکایی به چاپ رسیده است. ابراهیم زکریا می نویسد:

"اکنون جنبش کارگری در کشورهای مختلف، تحت تاثیر نیرومند یازدهمین کنگره جهانی سندیکاها، که از شانزدهم تا بیست و دوم سپتامبر ۱۹۸۶ در برلین (جمهوری دموکراتیک آلمان) برگزار شد، گسترش می یابد. این کنگره از بسیاری وجوه بیسابقه بود.

اولا کنگره فراگیرترین گردهمایی در کل تاریخ جنبش جهانی سندیکایی به شمار می رفت. در کنگره، ۱۰۱۴ نماینده از ۴۲۲ سازمان ملی، منطقه ای و بین المللی به نمایندگی از ۲۹۶ میلیون زحمتکش سازمان یافته در همه قاره ها شرکت کردند.

ثانیا این کنگره، مجمع مباحث جهانی سندیکایی بود که طیف گسترده ای از جریانهای متفاوت در جنبش کارگری بین المللی را در بر می گرفت. ۴۵۲ شرکت کننده، سازمانهای وابسته به فدراسیون جهانی سندیکایی را نمایندگی می کردند و ۵۶۲ تن، فرستادگان اتحادیه های سندیکایی وابسته به سایر فدراسیونهای بین المللی و یا نمایندگان سندیکاهای مستقل بودند.

ثالثا کنگره علیرغم اختلافات درست گیری سیاسی و ایدئولوژیک و علیرغم این واقعیت که فدراسیون جهانی سندیکایی به مثابه سازمانده این گردهمایی در آن اکثریت نداشت، تصمیمات خود را به اتفاق آرا اتخاذ کرد. کنگره اسناد اصلی را که در آن نظر مشترک سندیکاهای جهان امروز درباره مسائل اصلی فراروی زحمتکشان تک تک کشورها در حال حاضر، فرموله شده است، مورد تصویب قرارداد.

بنابراین کنگره نشان داد متحد کردن نیروهای طبقه کارگر و همه زحمتکشان و بسیج افکار عمومی جهان

افزایش نقش طبقه کارگر

متنوع تر شده است، بهتر می‌تواند به امر بسیج همه اقشار اجتماعی ای یاری رساند که با گروشت و پوست خود - اگر چه به درجات متفاوت - عواقب منفی حکمرانی سرمایه‌داری و بحران را احس می‌کنند. طبقه کارگر هر چه علیرغم تنوع خود به ماهیت طبقاتی خویش بیشتر پی برد، فعلا نه ترمی‌تواند این وظیفه را انجام دهد.

در اینجا به مسئله مهمی می‌رسیم. وقتی می‌گوییم مرزهای طبقه کارگر گسترده‌تر و برنقش و تنوع این طبقه افزوده شده است، این بدان معنی نیست که مسئله آگاهی طبقاتی حل شده است.

از یک سو نامدتها نقش، مشاغل و روابط اجتماعی سنتی به بقای خود ادامه خواهند داد. از سوی دیگر بسیاری از تکنسین‌ها و مهندسان که جزو طبقه کارگرند، هنوز بدین امر آگاهی نیافته‌اند و حتی این واقعیت را قاطعانه منکر می‌شوند و البته در تصور آنها مبارزه طبقاتی نمی‌گنجد...

روی هم رفته، تحولات اجتماعی نشان می‌دهد که ما با واقعیت چند جانبه‌ای مواجهیم. از یک سو شرایط عینی در خدمت نزدیکی بخشهای مختلف طبقه کارگر و اتحاد همه زحمتکشان است، و از سوی دیگر عملکرد کارفرمایان و چندگونگی نقش زحمتکشان و شیوه زندگی آنها به تفرقه می‌انجامد.

این روند متناقض این سؤال را پیش می‌آورد که چگونه می‌توان با توجه به تمایز موجود در عملکرد و روحیه انسانها، وحدت نوین طبقه کارگر را به وجود آورد؟

واقعیت استثمار سرمایه‌داری و موجودیت دشمن طبقاتی همچنان برهانی قوی است که همه آنها را که جزو طبقه کارگرند، به مبارزه برای تغییر وضع خود و دگرگون ساختن جامعه فرا می‌خواند. در عین حال، طبقه کارگر تنها در روند تولید دارای جایگاهی ویژه نیست، بلکه شیوه خاصی از مصرف و زندگی نیز دارد. از این رو آگاهی طبقاتی نه تنها در کارخانه، بلکه در همه عرصه‌های دیگر زندگی شکل می‌گیرد.

بنابراین رابطه‌ای دیالکتیکی میان تلاش‌های ما برای اتحاد طبقه کارگر و تلاش برای جنبش متحد و نوین اکثریت خلق وجود دارد. وحدت طبقه کارگر و ایجاد چشم‌انداز سیاسی منطبق بر آن، همه اقدامات متحدی خواهد بود که در آن باید تجارب اتحادهای مادر نظر گرفته شود و رکود حاضر برطرف گردد...

مضمون فکری بیشتری است و شامل نقش‌های جدیدی در تولید است. وزن طبقه کارگر در زندگی کشور افزایش می‌یابد...

مرزهای میان بخش تولید و مبادله از میان می‌رود و شرایط ایجاد می‌شود که در آن فعالیت برخی گروههای کارمندان در ارتباط بلاواسطه با روندهای تولید در صنایع قرار می‌گیرد.

بدین ترتیب طبقه کارگر شامل کارگران کمکی، کارگران دارای تخصص پایین و متخصص، اکثریت تکنسین‌ها و مهندسان و نیز آندسته از مؤد بکیران می‌گردد که عنوان کارمند دارند.

امروز نباید تنها کارگران را در زمره طبقه کارگر به شمار آورد؛ نه به دلایل صوری، بلکه به علت واقعیت عینی.

رسالت طبقه کارگر

طبقه کارگر که در ترکیب خود

مبنای تولید مادی هستند. در چنین شرایطی این ادعا که افزایش تخصص و اهمیت فزاینده کار فکری به محوطه طبقه کارگر می‌انجامد، بدین معنی است که طبقه کارگر را تنها در ارتباط با کار یدی و نه در ارتباط با تولید بهینیم. هرکس از چنین موضعی دفاع کند، یا خود را فریب می‌دهد و یادگیران را، و رابطه دیالکتیکی میان تکامل جامعه و تغییرات در طبقه کارگر را در نمی‌یابد...

امروز نیز مانند گذشته طبقه کارگر شامل همه آنهاست که در گروههایی از زحمتکشان، ثروت مادی و ارزش می‌آفرینند و ابزار تولید را در مالکیت خود ندارند. البته اشکال تولید و خصلت ارزش‌های تولید شده و نیز گروههای زحمتکشان تغییر یافته‌اند، اما این تغییرات همراه با تغییر خود انسانها بوده و از طریق تغییر آنها امکان پذیر گردیدند.

فعالیت کارگران امروز دارای

دورنما در کشورهای رشدیابنده

نفوذهایی و برد ایدئولوژی سوسیالیسم علمی، و سطح تشکیلاتی و خصلت توده‌ای احزاب مارکسیست - لنینیست ارتقا خواهد یافت. پندارهای رفرمیستی که اکنون در کشورهای در حال توسعه گسترش یافته است و در پیوند با سوسیالیسم ملی است رنگ خواهد باخت. جایگاه ناسیونالیسم خرده‌بورژوازی تضعیف خواهد شد و به جای آن ناسیونالیسم ضد امپریالیستی که بصورت فزاینده‌ای در آسیا و آفریقا گسترش یافته، به صورت فعال‌تری به اتحاد با سوسیالیسم علمی روی خواهد آورد.

کشورهای مرفعی جدیدی با ماهیت دمکراسی ملی و انقلابی و دارای ستمگری سوسیالیستی بوجود خواهند آمد، که پیوندهای خود را با کشورهای سوسیالیستی، یعنی متحدین طبیعی خود در مبارزات ضد امپریالیستی تحکیم خواهند بخشید. امروز حتی می‌توانیم بگوئیم که در جریان تکامل روند انقلابی جوامعی با معیارهای مورد قبول مارکسیست - لنینیست‌ها و دمکراتهای انقلابی در ضمن مبارزه برای تحکیم استقلال ملی و در راه تأمین دمکراسی و سوسیالیسم بوجود خواهد آمد...

گفت طی چند دهه آتی تحولات انقلابی و رفعی‌جویانه، و دارای اهمیت تاریخی بوقوع خواهد پیوست. پروتاریای صنعتی از لحاظ کمی افزایش خواهد یافت و در فاصله هر ۲۰ الی ۲۵ سال دو برابر خواهد شد. آگاهی سیاسی و سطح تشکیلاتی این طبقه ارتقا بیشتری خواهد یافت. طبقه کارگر در مبارزه علیه امپریالیسم و سرمایه‌داری ملی، و در راه صلح، دمکراسی و رفعی اجتماعی نقش بیشتری بعهده خواهد داشت و در بعضی کشورها نقش رهبری کننده را کسب خواهد کرد.

تحولات چشمگیری نیز در میان دهقانان، که هنوز بخش عمده جمعیت را در کشورهای رهائی یافته تشکیل می‌دهند، رخ خواهد داد. دهقانان بیش از پیش بعنوان یک طبقه متمایز خواهند شد. پروتاریای کشاورزی از لحاظ کمی افزایش خواهد یافت و عمیقاً ریشه خواهد دواند و استخوان بندی جمعیت روستا را تشکیل خواهد داد. تعداد دهقانان بی‌زمین افزایش می‌یابد و در کنار پروتاریای کشاورزی برای زمین و بهبود شرایط سرنوشت فلاکت بار خویش مبارزه خواهند کرد.

رنه لوگوئن عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه در مقاله‌ای با عنوان "پیشرفت ملی و جامعه فرانسه" از جمله به نقش طبقه کارگر در شرایط جدید می‌پردازد. در این مقاله که در مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم"، شماره ۱ سال ۱۹۸۷ به چاپ رسیده، آمده است: "...برخی معتقدند تحول اجتماعی بدانجا می‌انجامد که طبقه کارگر به تدریج از میان برود. برخی دیگر اظهار نظر می‌کنند که این طبقه "از هم می‌پاشد" و "مرزهای روشن" خود را از دست می‌دهد. در این استدلال این واقعیت که طبقه کارگر سازنده اصلی و آگاه تاریخ است، نفی می‌گردد.

هرکس از چنین نظراتی دفاع کند، نمی‌بیند و بی‌انمی‌خواهد اعتراف کند که موجودیت طبقه کارگر با نقش تعیین کننده تولید و پدیده‌ای اجتماعی یعنی استثمار سرمایه‌داری پیوند خورده است. علم و فن امروز

آکادمیسین ر. اولیانسکی در گفتگویی با مجله "سوسیالیسم، تئوری و پراتیک" (ژوئن ۱۹۸۶) به بررسی چشم‌انداز تحولات در کشورهای رشد یابنده پرداخت. در بخشی از این مصاحبه آمده است:

بسیاری از کشورهای رهائی یافته به تغییرات قابل توجهی در ساختار اجتماعی و اقتصادی دست یافته‌اند و آگاهی سیاسی زحمتکشان در این کشورها ارتقا یافته است. ولی این کشورها بهر حال در بند سیستم اقتصادی امپریالیستی‌اند و تنها تعداد معدودی از آنها، نظیر هند و غیره... به سطح متوسطی از توسعه سرمایه‌داری رسیده‌اند و با به چنین سطحی از توسعه نزدیکند. اما با گذشت زمان، استقلال سیاسی و اقتصادی این کشورها در روند مبارزه رهائی بخش ملی و در اتحاد با جهان سوسیالیستی و منجمد اتحاد شوروی مستحکم خواهد گردید.

اگر بخواهیم از دیدگاه مارکسیست - لنینیستی رفعی و پیشرفت کشورهای رهائی یافته را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، باید

مرحله ای جدید در همکاری های رژیم های ایران و ترکیه علیه پناهندگان

ایرانی به رژیم خمینی، از سوی دولت ترکیه کماکان رو به گسترش است. بطوریکه دولت ترکیه، طی ماههای اخیر (مطابق اطلاعی که گزارشگران جراید خارجی می دهند) عده کثیری از ایرانیان پناهنده را به جمهوری اسلامی مسترد نموده است. طبق اطلاع روزنامه نروژی Aftenbladet شماره ۲۸ مارس ۱۹۸۷، دولت ترکیه در خلال ۱۲ ماه گذشته، حدود ۵۰۰ تن از مخالفین رژیم فقها را به ایران برگشت داده است. این روزنامه هم چنین خبر داده است که تنها در ماه گذشته ۱۵۰ ایرانی در استانبول توسط پلیس امنیتی ترکیه دستگیر و به ایران تحویل داده شده اند.

با سفر هیات ایرانی به آنکارا، که زمینه سفر محتملی وزیر کشور و آنچنانکه گفته می شود، احتمال سفر علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه را نیز بوجود آورده است، انتظار می رود که متعاقب توافقات صورت گرفته و آتی، فشار بر پناهندگان و مخالفین سیاسی رژیم خمینی، از طرف دولت فاشیستی ترکیه ابعاد بمراتب گسترده تر و خطرناک تری بیابد.

اکنون با استناد به این قرارداد درصددند به استرداد پناهندگان سیاسی شکل قانونی بدهند. هیات ایرانی در این سفر که مشاور شورای عالی قضایی رژیم جمهوری اسلامی را نیز همراه داشت، همچنین با وزیر کشور ترکیه و معاون وزارت دادگستری آن کشور نیز ملاقات داشته است، که با توجه به مسئولیتهای طرفین، محور مذاکرات عمدتاً مسأله پناهندگان سیاسی ایرانی در ترکیه و توافقی بر روی ممانعت از عبور ایرانیان به خاک ترکیه و استرداد مهاجرین بود. وزیر کشور ترکیه، در طی این دیدار "ضمن تاکید بر روابط خوب فی مابین و ضرورت همکاریهای متقابل" در سمت فعال شدن هر چه بیشتر همکاریهای امنیتی و اطلاعاتی دو رژیم، خواستار سفر عنقریب وزیر کشور جمهوری اسلامی به آنکارا شده است.

همانگونه که ما در گزارشهای متعدد نشریه "اکثريت" در مورد پناهندگان ایرانی در ترکیه، بازتاب داده ایم، روند استرداد پناهندگان

هفته گذشته، با سفر یک هیات ایرانی به سرپرستی مدیر کل کنسولی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی به آنکارا، همکاریهای اطلاعاتی رژیمهای ایران و ترکیه و عملکرد هماهنگ آنان علیه پناهندگان ایرانی وارد مرحله جدیدی شد. طبق خبری که از جریان این سفر در "کیهان هوایی" مورخه ۲ اردیبهشت درج شده است، طرفین ایرانی و ترک بر احیاء اجرای قرارداد قدیمی استرداد مجرمین بین دو کشور تاکید کرده اند. قرار داد مذکور، در سال ۱۹۲۷ بین دولتهای ایران و ترکیه منعقد گردیده است که مطابق مفاد آن اعضا-کنندگان موظف به تحویل مجرمین به یکدیگر می باشند. بیرون کشیدن قرارداد کهنه ۱۹۲۷ از میان غبارهای بایگانی وزارت امور خارجه، صرفاً در چارچوب "قانونی" کردن اعمال فشار فزاینده بر مخالفان سیاسی رژیم فقها و تحویل پناهندگان سیاسی به ایران صورت گرفته است. قرارداد ۱۹۲۷ که در زمان رضا خان و آتاترک میان دو کشور منعقد گردید، در اصل تنها شامل مجرمین جنایی می شد.

صدر حزب کمونیست دانمارک درگذشت

رفیق یوآن یشن صدر حزب کمونیست دانمارک روز دوشنبه ۱۲ آوریل ۱۹۸۷ در سن ۶۷ سالگی پس از یک بیماری طولانی درگذشت. وی که در سال ۱۹۴۰ به عنوان دبیر سندیکای کارگران صنایع فلز در منطقه لونگ بو انتخاب شده بود، در سال ۱۹۴۵ به حزب کمونیست دانمارک پیوست. رفیق یشن در سال ۱۹۵۲ به عضویت کمیته مرکزی حزب درآمد. او در سال ۱۹۷۵ به نمایندگی پارلمان انتخاب شد و پس از درگذشت صدر حزب در سال ۱۹۷۷، عهده دار رهبری حزب کمونیست دانمارک گردید.

از سوی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) پیام تسلیتی خطاب به کمیته مرکزی حزب کمونیست دانمارک ارسال گردید و در آن تاکید شد که "کوششها و مبارزات بی وقفه رفیق یشن برای طبقه کارگر، جنبش ترقیخواه و صلح جویانه دانمارک و بعنوان یک انترناسیونالیست برجسته و پرتلاش در خانواده بزرگ طبقه کارگر جهانی فراموش ناشدنی است." ●

۲۴ آوریل

روز قتل عام ارامنه

بقیه از صفحه آخر

ترکیه کشتاری آغاز گشت که تا ۱۹۱۶ ادامه یافت.

بلشویک ها از همان زمان مبارزه سختی را علیه اینگونه اقدامات امپریالیستها و دیگر نیروهای ارتجاعی سازمان دادند و برابری کامل ملل و حق تعیین سرنوشت خلق ها تاکید نمودند. در پائیز ۱۹۱۵ کنفرانس سیمروالد احزاب سوسیالیستی سیاست ضد مردمی ارتجاع امپریالیستی علیه خلق ارمن را شدیداً محکوم نمود. قتلنامه این کنفرانس در این زمینه به امضاء لنین نیز رسید.

انقلاب کبیر اکتبر برای خلق های روسیه و از جمله خلق ارمن رهایی ملی و اجتماعی را به ارمنان آورد. سوسیالیسم در روابط ملیت های مختلف، اصول برابری انسانی را تثبیت نمود. به دنبال شورهای مسلحانه در شهرهای الکساندراپل،

نیروهای ضد انقلاب تا ژوئیه ۱۹۲۱ به درازا کشید.

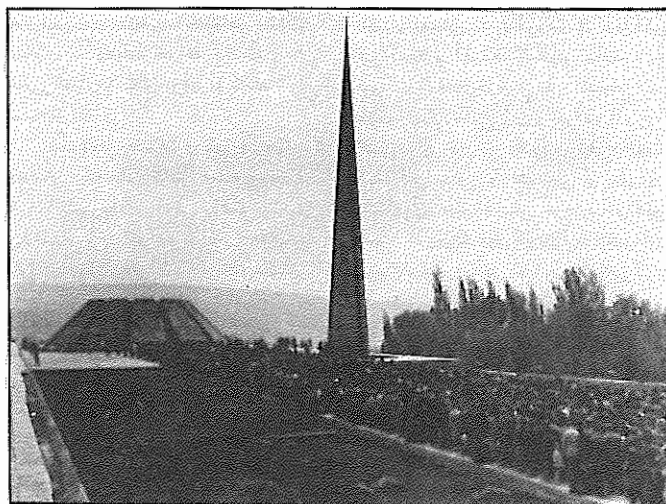
سوسیالیسم امکانات وسیعی را برای رشد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خلق ارمن پدید آورد. در این زمینه به ذکر یک نمونه اکتفا می شود. در جمهوری ارمنستان شوروی از هر ده هزار نفر ۱۸۷ نفر دانشجو هستند، در حالیکه این رقم در انگلستان ۹۵، در آلمان فدرال ۹۶، در فرانسه ۱۶۵ و در ژاپن ۱۴۹ می باشد. در جمهوری ارمنستان بیش از بیست هزار دانشمند به کار مشغولند.

در غرب، برخی تاریخ نویسان مبلغین بورژوازی کوشش می کنند قتل عام تاریخی ارامنه در سال های ۱۹۱۵-۱۹۱۶ را مسکوت گذارند و حتی وقوع آنرا منکر شده و آن را در حد یک "جایجایی" جمعیت جلوه دهند، همان شیوه ای که در مقابل ماهیت و دلایل اصلی جنگ جهانی دوم و عملکردهای وحشیانه فاشیسم در پیش گرفته شد.

ارامنه جهان، در ارمنستان شوروی و در سراسر جهان و بسیاری نیروهای مترقی هر ساله در ۲۴ آوریل، خاطره یک و نیم میلیون شهید ارمنی را گرامی می دارند. ●

انقلابی ارمنستان این پیروزی را تبریک گفت. آزادسازی کامل ارمنستان از چنگ منشویک های گرجستان که منطقه "لری" را در اشغال داشتند، دانشک ها که ایروان را متصرف بودند، اشغالگران ترک که الکساندراپل را در دست داشتند و همچنین آزادسازی زانکزو از چنگ

قارص، ساری قیش، بانیریه نو، شامادین، زانکزور، کاروانسرا و دلجان علیه دولت داشناک ها در ۲۲ مه ۱۹۲۰ و تداوم آن، در نوامبر ۱۹۲۰ پیروزی نظام شورایی در ارمنستان اعلام گشت. در ۲ دسامبر ۱۹۲۰. ای. لنین با ارسال تلگرامی به س. کاسیان رئیس کمیته نظامی -



بنای یادبود شهدای ارمنی در شهر ایروان

کاهش تشنج در آرژانتین

با شورشیان مذاکره کرد. بدنبال این مذاکرات، ۸۰ افسر شورش خود را تسلیم نیروهای دولتی کردند. شورش هنگامی آغاز شد که سرگرد سابق باررو برای اجتناب از بازجویی در مورد جنایات زمان دیکتاتوری نظامی به پادگان یک هنگ چتر باز در کوردوبا گریخت. با آنکه شورش کوردوبا در روز جمعه ۱۷ آوریل پایان یافت، باررو موفق به فرار شد. طی روزهای گذشته میلیونها تن از مردم آرژانتین علیه شورشیان و در دفاع از دموکراسی دست به تظاهرات زدند. در روز یکشنبه ۱۹ آوریل، نمایندگان احزاب، سندیکاها و اتحادیههای کشور منشوری را امضا کرده طی آن تعهد خود را به نظام دموکراسی آرژانتین مورد تاکید قرار دادند. مردم با برپایی تظاهراتی در سراسر کشور خواهان پایان دادن به شورش نظامیان گردیدند.

ناآرامی در میان نظامیان آرژانتینی که گزارش آن در شماره گذشته "اکثریت" به چاپ رسید، هفته گذشته با برکناری و کناره گیری بخشی از فرماندهان ارتش این کشور فروکش کرد. پس از آنکه در روز سه شنبه گذشته در برخی پادگانها اعتراضاتی نسبت به انتصاب ژنرال خوزه کاردیدی به سمت رئیس جدید ستاد نیروی زمینی صورت گرفت، در روز چهارشنبه وضعیت در این پادگانها "کاملاً عادی" توصیف گردید. همچنین اعلام شد دولت و دادگاههای آرژانتین در صدد محاکمات جاری مربوط به نقض حقوق بشر از سوی نظامیان در دوره دیکتاتوری را به مدت ۱۵ الی ۲۰ روز تعطیل کنند. بدنبال شورش نظامیان، ۹ ژنرال و ۹ افسر ارشد دیگر از سمت های خود برکنار شده و یا استعفا کردند. راول آلقرنسن رئیس جمهور آرژانتین در روز یکشنبه ۱۹ آوریل با حضور در پادگان "مایو"

کشتار هفت کارگر راه آهن توسط پلیس رژیم آپارتاید

هدف از اعتصاب، افزایش دستمزدها و لغو شرایط تبعیض آمیز کار است. در هفته گذشته همچنین ۲۴ هزار کارگر سیاهپوست دومعدن طلا در منطقه ژوهانسبورگ در اعتراض به طرح مدیریت این معدن برای اخراج کارگران دست به اعتصاب زدند. قرار است در این معدن ۲۲۱۰ کارگر از کار اخراج شوند. در سورتو دهها هزار تن از ساکنان سیاهپوست این شهر، محلات مسکونی را تحت کنترل خود گرفتند تا از تخلیه منازل توسط مقامات دولتی جلوگیری کنند. رژیم آپارتاید در صدد است به علت تحریم پرداخت اجاره از سوی ساکنان این محلات، خانوادههای سیاهپوست را بی خانمان کند.

چهارشنبه گذشته هفت کارگر اعتصابی راه آهن آفریقای جنوبی به ضرب گلوله پلیس رژیم نژادپرست در ژوهانسبورگ کشته شدند. این حادثه زمانی روی داد که پلیس می کوشید اعتصابیون را به زور به کار وادارد. پیش از آن، شرکت دولتی راه آهن آفریقای جنوبی ۱۸ هزار کارگر اعتصابی را تهدید کرده بود که در صورت عدم بازگشت آنان به کار، اخراج خواهند شد. ۱۶ هزار تن از شرکت کنندگان در اعتصاب به این اتمام حجت واقعی ننهادند و شرکت راه آهن این عده را اخراج کرد. اتحادیه سندیکایی نیرومند "کساتو" اعلام کرد طولانیترین اعتصاب در بخش خدمات عمومی آفریقای جنوبی را به کل کشور گسترش خواهد داد.

اخبار کوتاه

● ایزوستیا ارکان دولت شوروی ضمن محکوم کردن چاروچنجال تحریک آمیز مطبوعات آلمان فدرال پیرامون آزادی قریب الوقوع ادعایی رودلف هس معاون هیتلر از زندان، تاکید کرد باید مجازات حبس ابد هس تا به آخر اجرا شود و افزود: "این نشانه انساندوستی واقعی و بهیاد داشتن خاطره میلیونها قربانی جنایات نازی هاست."

● بیش از ۲۰۰ هزار تن از مردم آلمان فدرال و برلین غربی در راهپیماییهای سنتی عید پاک شرکت کردند. این راهپیماییها تحت شعار برچیدن سلاحهای هسته ای از اروپا، جلوگیری از انتقال تسلیحات به فضا و پذیرش پیشنهادی اتحاد شوروی در این رابطه انجام گرفت.

● خبرگزاری تاس گزارش داد ضد انقلابیون افغانی در شب نهم آوریل سال جاری قلمرو اتحاد شوروی را مورد تجاوز قرار دادند. در جریان دفع تجاوز، دو سرباز نیروهای مرزی اتحاد شوروی کشته شدند. تاس تاکید کرد اتحاد شوروی به کمکهای خود به افغانستان ادامه خواهد داد.



● یک گور دسته جمعی که در آن اجساد چهارده تن از قربانیان رژیم پینوشه به خاک سپرده شده بودند، در شمال شیلی کشف شده است. این عده در اکتبر ۱۹۷۲، یک ماه پس از کودتای فاشیستی در شیلی، توسط جوخه های اعدام ارتش به قتل رسیده اند. عکس، گوشه ای از این گور دسته جمعی را نشان می دهد.

اجلاس شورای ملی فلسطین

اجلاس شورای ملی فلسطین در الجزیره از مهمترین رویدادهای جهان طی هفته گذشته بود. این اجلاس تحت شعار "اجلاس وحدت فلسطین" و بلافاصله پس از انتشار اعلامیه ای از سوی کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین دایر بر لغو موافقتنامه فوریه ۱۹۸۵ میان یاسر عرفات و ملک حسین تشکیل شد.

موافقت نامه عمان منجر به اختلافات شدیدی در درون ساف گردید. در این معاهده توافق شده بود که در مذاکرات صلح خاور نزدیک هیات مشترکی اردن و فلسطین را نمایندگی کند.

لغو موافقت نامه عمان، شرط سازمانهای چپ فلسطین برای شرکت در اجلاس الجزیره بود.

یاسر عرفات در سخنرانی افتتاحیه اجلاس الجزیره از تلاشها و ابتکارهای شاذی بن جدید رئیس جمهور الجزایر و کشورهای سوسیالیستی در کمک به احیای وحدت ساف قدردانی کرد. عرفات گفت: "ما در راه حل همه جانبه و عادلانه مسئله خاور نزدیک مبارزه می کنیم." وی خواستار تشکیل کنفرانس بین المللی خاور نزدیک تحت سرپرستی سازمان ملل متحد شد.

شورای ملی فلسطین با اکثریت قریب به اتفاق آرا با عضویت حزب کمونیست فلسطین در سازمان آزادیبخش فلسطین موافقت کرد. حزب کمونیست فلسطین با ۱۹۹ رای موافق، یک رای ممتنع و دروای مخالف به یکی از سازمانهای تشکیل دهنده ساف که با دیگر سازمانها دارای حقوق کاملاً برابر است تبدیل شد. یکی از سخنگویان حزب کمونیست فلسطین بدنبال این رای گیری خواهان اختصاص یک کرسی در کمیته اجرایی ساف به این حزب گردید.

شورای ملی فلسطین تصمیم گرفت روابط ساف با مصر تا زمانی که معاهده کمپ دیوید لغو نشده است گسترش نیابد. شورا، اتخاذ تصمیم درباره چگونگی روابط آینده با مصر را به پس از گزینش کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین موکول کرد.

کامسومول
سبک کار خود را متحول می سازد

بسیستین کنفرانس اتحادیه لنینی جوانان کمونیست اتحاد شوروی، کامسومول، که گزارش تشکیل آن را در شماره گذشته دادیم، روز سه شنبه ۱۸ آوریل به کار خود پایان داد. مسائل اصلی مورد بحث در این کنفرانس عبارت بودند از: سهم جوانان شوروی در اجرای مصوبات کنفرانس ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی، مشارکت فعال تر جوانان در شتاب بخشیدن به رشد اجتماعی - اقتصادی کشور و افزایش نقش کامسومول در نظام سیاسی اتحاد شوروی. کنفرانس کامسومول چهار روز به طول انجامید.

در قطعنامه کنفرانس کامسومول آمده است: دگرگونی انقلابی همه جوانب زندگی اجتماعی، امکانات گسترده تری برای رشد ابتکار جوانان و کامسومول نسبت به آنچه تاکنون در عمل شناخته شده و توسط کامسومول در فعالیت رهبری سیاسی خود به کار بسته شده است، می کشاید. کنفرانس با انتقاد از سبک کار بوروکراتیک گذشته، اساننامه جدیدی را مورد تصویب قرار داد که در آن حقوق سازمانهای پایه در گسترش ابتکارهای مستقل افزایش یافته است.

اعلان تاسیسی «بانک اطلاعات»

تصرف و در برابر مردم حفاظت شد. اینک رژیم اعلام می‌دارد که قصد استفاده و تکمیل بانک اطلاعات شاه را دارد.

حقیقت اینست که این کار بسیار پیش از این آغاز شده بود. اطلاعات گردآوری شده در این مرکز خیلی زود در خدمت اقدامات سرکوبگرانه و امنیتی رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت. منتهی از وجود چنین مرکزی سخنی به میان نمی‌آمد و در عوض از عنوان‌های نظیر «مرکز اسناد ملی» استفاده می‌شد. هم‌زمان با آن در جهت تکمیل نهائی این پروژه نیز کوشش‌های جدی صورت گرفت. اما روشن بود که برای رژیم فقها راه‌اندازی آن بدون همکاری فعال سازمانهای جاسوسی امپریالیستی و حضور کارشناسان آنها غیرممکن بود. تامین این همکاری نیز محتاج به پیشرفت گسترده مناسبات طرفین و در نتیجه مرور زمان بود. زمان طی شد و همکاری طرفین به سطح دلخواهشان فرا روید، امری که به رغم شعبده‌بازیهای تبلیغاتی سخنگویان رژیم، اینک آشکارتر از همیشه شده است. اینک ریشه‌ری اکنون از پیشبرد طرح بانک اطلاعات سخن می‌گوید قبل از هر چیز به معنای تامین همکاری سازمانهای جاسوسی امپریالیستی و حضور متخصصین آنها در راه‌اندازی این مرکز اطلاعاتی و امنیتی است.

رژیم جمهوری اسلامی که تا هر آنجا که مقدور بوده تعداد نفرات ارگان‌های سرکوب را افزایش داده است اینک با بهره‌گیری از طرح پیچیده بانک اطلاعات قصد دارد جزو زندگی و کار آحاد مردم را تحت نظارت درآورد مگر که بتواند از گسترش مبارزه نیروهای انقلابی و از تحکیم پیوند آنان با مردم جلوگیری کند. سرکردگان این رژیم نیز مثل شاه در هراس از خیزش مردم آرام و قرار از کف داده‌اند، اما به رغم همه این تمهیدات - هر چقدر که اهریمنی باشد - سرانجامی چون شاه در انتظارشان است.

حجت الاسلام ری شهری وزیر ساواک رژیم مغفور خمینی در یک سخنرانی در جلسه شورای اداری استان بوشهر، امر تشکیل «بانک اطلاعات» (مرکز کامپیوتری نگهداری اطلاعات امنیتی) را علنی ساخت و خواهان همکاری کلیه دستگاه‌های اجرایی برای پیشبرد آن شد. ری شهری گفت: «باید امنیت نظام را در برابر همه چیز که آن را تهدید می‌کند حفظ کنیم... باید زمینه شد انقلاب و گروهک‌ها را از بین ببریم... برای یافتن این منظور به یک بانک مرکز اطلاعات نیاز است.» (کیهان هوائی ۲ اردیبهشت).

در سال‌های ۵۲-۵۳ مقارن با تشکیل «کمیته مشترک ضد خرابکاری»، ساواک شاه سرنگون شده طرح تشکیل بانک اطلاعات را مورد توجه قرار داد، با این هدف که مرکزی تشکیل شود که اطلاعاتی در حد امکان گسترده حتی از تمامی احاد کشور در آن ذخیره گردد. این اطلاعات می‌بایست از کارخانه‌ها، ادارات، مراکز آموزشی... جمع‌آوری و در حافظه کامپیوترها نگهداری شوند و نیروهای امنیتی بتوانند هر زمان به آن‌ها مراجعه کنند. در ارتباط با این هدف، در همان زمان طرح تعویض شناسنامه‌ها نیز مطرح گردید.

ساواک شاه، در سال ۵۴ با کمک شرکتی به نام هانی ول و تحت کنترل و هدایت سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی و بویژه «سیا» اجرای طرح مزبور را آغاز نمود. طیفات زیرزمین مرکز ساواک در سلطنت آباد تهران به محل استقرار کامپیوترها و دستگاه‌های مورد نیاز اختصاص داده شد. محل استقرار کامپیوترها با کاربرت تدابیر ساختمانی در برابر شدیدترین بمباران‌ها آسیب‌ناپذیر گردید. اقدامات امنیتی فوق‌العاده‌ای حتی برای دستیابی کارکنان این محل، به مرکز اصلی آن متداول گشت. تعداد بسیار معدودی از مامورین ساواک اجازه ورود به بانک اطلاعات را داشتند.

پایان عمر حکومت شاه اجازه بهره‌برداری و اتمام کار این طرح را نداد. ساواک خمینی و ارث ساواک شاه و سنت‌ها و ابزار سرکوب آن شد. در همان بدو امر مرکز ساواک سلطنت آباد با همه بایگانی و تجهیزات اتش‌توسط محارم ویژه سرمداران رژیم فقها

تشکل‌های کارگری جهان فعالانه از مبارزات مردم و کارگران ایران حمایت می‌کنند. درمفقه‌های اخیر محکوم کردن ترور و اختناق در ایران توسط کارگران جهان و ابراز نفرت آنان از یورش به سازمان‌ها جلوه بارزتری یافته است. در شماره گذشته نشریه خبر اعلام همبستگی سندیکای عمومی ایتالیایی کار (CGIL) بزرگترین تشکل کارگری جهان سرمایه‌داری با سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و اعلام نگرانی این

بخشی از این بیانیه در روزنامه اومانیته ۱۷ آوریل نیز چاپ رسیده است.

بیانیه سندیکای عمومی کار (فرانسه) علیه سرکوب و اختناق در ایران

سالمات که ترور در ایران حاکم است، درحالی که جنگ خونین علیه عراق ادامه دارد هزار تن از مخالفین رژیم کد اکثریت آنها به طبقات محروم تعلق دارند قربانی می‌شوند. در زندان‌های ایران که دربرگیرنده هزاران تن زندانی می‌باشند شکنجه به امری عادی بدل شده است. خانواده‌های زندانیان قربانیان دائمی پیگرد سرکوب هستند.

اخبار مقامات ایرانی خبردستگیری بیش از ۸۵۰ نفر از اعضای سازمان فداییان خلق را اعلام کرده‌اند. تمامی دستگیرشدگان تحت شکنجه واقع گردیده و تعدادی از آنها در زیر شکنجه کشته شده‌اند. خطری بزرگ جان زندانیان دستگیر شده و همچنین دیگر زندانیان وابسته به سازمان فدائیان، حزب ثورده ایران، سازمان مجاهدین و یادیگر سازمان‌های مقاومت را تهدید می‌کند.

سندیکای عمومی کار (ث، ژ، ت) که تاکنون بارها نقض آشکار حقوق بشر در ایران را محکوم کرده است، اعتراف خود را در مقابل این سرکوب بربرمشتانه اعلام می‌دارد. سندیکای عمومی کار خواهان پایان دادن به اعدام و شکنجه و همچنین آزادی تمامی زندانیان سیاسی در ایران است.

سندیکای عمومی کار همبستگی عمیق خود را با مبارزات شجاعانه مردم و کارگران ایران جهت برقراری آزادی و حقوق ابتدایی ملذرج در کنفرانسیون‌های بین‌المللی، که ایران نیز امضا کننده آنها می‌باشد، و از مبارزات آنها در راه دموکراسی، صلح و عدالت اجتماعی اعلام می‌دارد.

سندیکای عمومی کار حمایت کامل خود را از تصمیمات مجمع عمومی سازمان ملل و همچنین کمیسیون حقوق بشر داور بر قطع فوری تجاوزات خطرناک و مداوم علیه تمامیت فیزیکی و حیثیت و شرف انسان، اعلام می‌دارد و از حق بیان و عمل آزاد، مستقل انسان‌ها دفاع می‌نماید.

۱۵ آوریل ۱۹۸۷ ژوانس گالاند دبیر سندیکای عمومی کار

۲۴ آوریل روز قتل عام ارامنه

بین‌المللی، نمایندگان جنبش کارگری بین‌المللی، بویژه بلشویک‌ها را برانگیخت. اما جنایات شوونیست‌های ترک همچنان ادامه یافت.

روز ۲۴ آوریل سالروز آغاز این قتل‌عام وحشیانه است که نابودی یک خلق، یک اقلیت ملی را مدنظر داشت. در روز ۲۴ آوریل ۱۹۱۵ با تبعید و کشتار ۸۰۰ تن از روشنفکران ارمنی قسطنطنیه به دست حکومت بقیه در صفحه ۱۴

در طی جنگ جهانی اول، دولت «ترک‌های جوان»، برای پیشبرد اهداف سلطه‌گرانه و شوونیستی خود، به قتل‌عام گسترده و هولناک ارامنه ساکن ارمنستان غربی دست زد. در طی این قتل‌عام تنها در سال‌های ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ نزدیک به یک و نیم میلیون تن از ارامنه به قتل رسیدند. دولت ترکیه برای پیشبرد این جنایت عظیم، شرایط جنگ جهانی اول را بهانه قرار داده بود. این آدمکشی، اعتراض وسیع جوامع مترقی

AKSARIYAT
NO. 154
MONDAY APR 27. 87
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY